



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۰ صفحه

پیکار

دوشنبه ۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ بها ۲۰ ریال

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- جنبش کارگری
  - خلق ها و مسئله ملی
  - زبک‌زاهای ضد انقلاب ... (۵)
  - دستگیری یک مبارز حرفه‌ای
  - خلق می خواهد بداند ...
- صفحه ۳  
صفحه ۶  
صفحه ۱۰  
صفحه ۱۶  
صفحه ۲۰

بمناسبت ۲۱ ژانویه (اول بهمن ماه) پنجاه و ششمین سالگرد مرگ لنین

### لنین جاودانه است

بیاد داشته باشید، دوست بدارید و بیاموزید... ایلچ را، آموزگار ما، پیشوای ما را (ی-اسالین) صفحه ۱۳

**هیئت حاکمه، به زحمتکشان به جای مسکن، گازاشک آور و گلوله میدهد!**

صفحه ۵

بمناسبت تکمیل کنفرانس کشورهای اسلامی :

**آمریکا زیر پرچم "الله"  
"پیمان اسلامی"  
دوباره احیا میشود!**

صفحه ۹

### جنگ قدرت، رسوایان را رسوا می‌کند

مدنی توسط دانشجویان بیرو خط امام افشا میشود  
امانه برای خلق بلکه برای حزب جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

### مروری بر انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ریاست جمهوری سرانجام به پایان رسید. آنچه در طی این مدت در حلقه مبارزات انتخاباتی بوجود بیفتاد، همچون آشنای موقعیت و چهره نیروهای درگیر در قدرت حاکمه را بشناسانید. کدالت، وصف بندی نیروها را ابعاد درونیتری بخشد. شرکت بیش از ۱۲۰۰۰ کاندیدا در انتخابات ریاست جمهوری، نشانگری هفت حاکمه را در بر قدرتمداری و اداره دسکاه قدرت سیاسی شما نشان داد است. این مسئله در فاس با موارد مشابه آن در دیگر نقاط دنیا، بقیه در صفحه ۲

بمناسبت ضد انقلاب ششم بهمن شاه و کندی:

**اصلاحات ارضی امپریالیستی:  
راه‌گشای توسعه سرمایه‌داری وابسته**

صفحه ۱

### بنی صدر در مقابل حقوق خلق‌ها

صفحه ۱۹

**دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰۰ نفر کارکنان مبارز چوکا سرپرست کارخانه را به عقب نشینی واداشت**

صفحه ۳

### کارگران

**صایع فولاد یک شرکت وابسته به امپریالیسم را ملی اعلام کردند**

صفحه ۳

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**

بقیه از صفحه ۱

مروری بر ...

آنجان محک بود که سردمداران رژیم نیز خود بیس از مدتی به آن بی بردند و در صدد "رفع" آن برآمدند. اما با طریقی شدن نا شیگری خود، مطابق معمول به عامل "توطئه آمریکا" متوسل شدند؛ در پی این جریان تعداد دکانها با ایجاد مواضع "فانونی" کاهش یافت و به تعداد معدودی که عمدتاً از چهره های شناخته شده رژیم بودند، منتزل یافت.

حوادث و رویدادهای که در عرصه مبارزات انتخاباتی بوقوع پیوست و تلاطماتی که در صحنه سیاسی کشور پدید آمد، بخوبی وضیعت درهم ریخته و ناسامان درونی رژیم را نمایان ساخت و نشان داد که ناکامی در وضع شکننده و ناپایدار است. در این صحنه و تحت تاثیر حوادث رخ داده، تکلیف های درونی قدرت سیاسی حاکم، با زهم ابعاد عمیق تر و روشنتری بخود گرفت و بحران درونی آن هر چه بیشتر افزایش یافت. بخصوص زمانی که مسعود رجوی از سوی نیروهای دمکرات و مترقی برپایه یک حمایت وسیع بوده ای پایه عرصه مبارزه انتخاباتی نهاد.

صحنه مبارزه انتخاباتی در عین حال صحنه فضا جت ها و رسوا شییای بی دربی رژیم و جناح های مختلف درونی آن نیز بود. بیدیش رسمی مسعود رجوی بعنوان کاندیدا، از سوی وزارت کشور و "مقامات مسئول" و بقول ضمنی خود آیت الله خمینی و سپس راندن او از این صحنه پس از مشاهده نیروی عظیمی که در پشت سر این کاندیدا متمرکز گشته بود، عسدم دخالت و اظهار نظر آیت الله خمینی در امر انتخابات و صرف نظر کردن از حق ولایت فقیه "خود در اینست" ای مبارزات انتخاباتی و اندکی بعد زیر پانها دن این امر و ما در دشن "فتوا" و امر "فقیه" از سوی او بمنظور حذف مسعود رجوی از مبارزه انتخاباتی با بانسد بازی حزب جمهوری اسلامی در جریان معرفی جلال - الدین فارسی وزیر پانها دن همان ضوابط و قوانین که در "مجلس خبرگان" خود به تصویب رسانده بودند در این جریان و در پی آمدان اختلافاتی که میان روحانیت بوجود آمد (اعتراض شیخ علی تهرانی به رهبران "حزب") و... نمونه های از این رسوا شییای و فضا جت ها در طول تدارک انتخابات بود، رسوا شییای خود بیس از پیش بردا منته تا قضا و بحران درونی رژیم جمهوری اسلامی مافزود.

این رسوا شییای، بیس از هر کس و جریانی دامن "حزب جمهوری اسلامی" را فرا گرفت و تا شیرات بسزائی در کاهش با زهم بیشتر موقعیت و اعتبار کاندیدان در میان مردم باقی گذاشت. بطوریکه این "حزب" مجبور شد از معرفی یک کاندیدای مستقل، پس از برکناری فضا جت بار "فارسی"، منصرف شود. حتی دکتر آیت عسوفعلی شورای مرکزی این "حزب" (و عسوا بق حزب آمریکا کئی "زحمتکشان ملت ایران" به رهبری بقائی) که در کنش برکناری "فارسی" و به پشتوا نه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کنساره گیری "فارسی" در انتخابات شرکت جست بود، از این "حمایت" برخوردار نگردد و همچنان منفرد و بی پشت و پنا ده باقی ماند؛ همین مسئله شفا دمان این عضو

بقیه در صفحه ۱۵

## جنگ قدرت، رسوایان را رسوا تر میکند

همانطور که شا هدی بوده ایم، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بود که این حضرات به معرفی یکدیگر نشسته، و گرنه تا آنجا که به مردم مربوط می شود، گویی توده ها حق ندا شتند، پیش از این بی بهما هیت مدنی ها، بهشتی ها و همیالکی ها شان که هر میهای اساسی قدرت را در دست دارند، ببرند. اکنون که هر کس، با بهتر بگوئیم هر جناحی سعی بر آن دارد که مواضع اصلی قدرت قانونی را در دست بگیرد، البته سنا دومدارک خیا ننگاران بکار می آید، آتیه همه استاد، که در صورت رویدن ممکن است پای افشا کنندگان را هم بگیرد، بلکه تا آنجا و فقط تا آنجا که در جهت تامین منافع مهمترین قطب قدرت حاکم، یعنی حزب جمهوری اسلامی باشد. مدت ها است که مردم می پرسند چرا هیئت حاکمه در طول نزدیک به یکسال حکومت خود، کوچکترین قدمی در راه افشای اسناد و مدارک خیانت رژیم بپهلوی و معرفی مزدوران امیرالیم، درهر رنگ و لباس، برنداشته است؟ چرا حتی لیست اسمی ساواکیها را منتشر نکرده است؟ چرا حتی یکی از قراردادهای اسارت را امیرالیمستی را که تعدادشان به اعتراف خود رژیم بالغ بر یک هزار است، افشا نکرده است؟

البته مردم بانک در مقابل این چراها و هزاران چرای دیگر از این قبیل، تا حدی جواب خود را یافته اند، اگر اسناد خیانت این مزدوران امیرالیم افشا میشد، مگر توده ها اجازه می دادند که این خائنین به خلق همچنان در مسند قدرت باقی بمانند؟ در این میان حزب جمهوری اسلامی به برکت در اختیار داشتن مواضع کلیدی در امور کشور و بانکها بسیاری از اسناد و مدارک با دهنده در دست آنهاست، از موقعیت برتری در افشای همیالکی هایش برخوردار است. مدنی جلا تا وقتی که جوانان عرب را به جوجه های اعدام می سپارد، "دست نیرومند امام" است، لکن آنجا که دیگر این "دست نیرومند" برای حزب جمهوری اسلامی به "شاخ" تبدیل میشود، البته که باید آسرا شکست. چنین است که وابستگی این جلا به آمریکا در دست یک روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری از پزده بیرون می افتد. از طرف دیگر "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از اسناد دسترسی دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای اسناد میپردازند که صرفاً در خدمت منافع جناحی از روحانیون قدرتمند و پاندهای حاکم بر کشور باشد. از این قبیل بود افشای مدنی جلا در هفته ای که گذشت. کسی نیست از این جوانان "افشاگر" بپزده که چرا تا حال در مورد این جنایتکار رسکوت کرده بودید؟ امولا چرا کلیشه اسناد و مدارک موجود در جاسوخانه آمریکا، یکجا در اختیار عموم گزارده نمی شود؟

جالب اینجاست که این دانشجویان "افشاگر" در مقدمه افشای مدنی گفته اند که این افشاگری بنا

بقیه در صفحه ۱۷

انتخابات ریاست جمهوری در حقیقت گام آخر برای فانونی شدن حکومت بود. کسانی که امروز مواضع اصلی قدرت سیاسی را در دست خود دارند، البته می خواهند ترکیب حکومت قانونی آتیه در جای مناسبی را اشغال کنند. بنا بر این میبینیم که چگونه رئیس جمهور شدن به مسئله ای بسیار مهم برای جناح بندیهای موجود در هیئت حاکمه تبدیل میشود. هر کس یا هر جناحی کوش می کند، این پست کلیدی را از آن خود کند. از طرف دیگر جاسوخانه ما در بحران عمیقی است و اوضاع نابسامانی را پشت سر میگذارد. خواسته های اساسی توده ها همچنان از طرف هیئت حاکمه بیجا جواب مانده است و توده ها روز بروز برای گرفتن حقوق خود کوشش میکنند و آنها را تحت فشار قرار می دهند، توده های مبارزه با امیرالیم را تا به آخر یعنی تا نابودی کامل سلطه و نفوذ سوسی - خواهند. مسئله بیکاری، حقوق ملی خلقها و مهمترین از همه سرمایه داری و بسته همچنان در مقابل توده ها عرض اندام می کند. اوضاع نابسامان اقتصادی کشور با روشنائی که هیئت حاکمه در پیش گرفته هم - چنان رفع نشدنی باقی مانده و خواهد ماند. طبیعی است که این مسائل همگی در موقعیت جناحی حاکم

● "دانشجویان پیرو خط امام" این دکان سیاسی نیز که بر انبوهی از اسناد دسترسی دارند، تنها وقتی به اصطلاح به افشای اسناد میپردازند که صرفاً در خدمت جناحی از روحانیون و پاندهای حاکم بر کشور باشد.

● چگونه حزب جمهوری اسلامی با کمتر از یکسال سابقه "فعالیت"، دشمن در پزده "آمریکا" از آب در می آید!

تا شیری گزارده، اگر تا دیروز خدا انقلابیون و خائنین حاکم می توانستند به آرمی در کناره در دست یکدیگر حکومت کنند، امروز با توجه به مسائلی که عنوان شد و با توجه به اینکه حکومت در جهت قانونی شس و به اصطلاح تثبیت شدن است، همانطور که می بینیم بجان هم افتاده اند و خود نقلاب از چهره یکدیگر برمی دارند. در واقع در این جنگ قدرت، رسوایان رسوا تر شده و توده ها هر چه بیشتر با همت واقعی، هیئت حاکمه آشنائی شوند. آنها اکنون از "هول حلیم" نه فقط خود، که در قبا پشان را نیز در "دیگ" اندازند! دزدهای آئی دزد، آئی دزد، سر - داده اند، خط زاده، بیستی صدور حبیبی را زد می خواند. بنی صدر حزب جمهوری اسلامی را دروغگو و توطئه گر می داند. این حزب خلق الساعه، مدنی را بعنوان فرد وابسته به آمریکا معرفی میکند، فارسی از توطئه چینیی بنی صدر می نالد، حوزه علمیه قم "جاسوخانه روحانیت مبارز" و اردن جنگی آشکار می شوند و اخیراً شیخ علی تهرانی نیز خواهان افشای روابط بهشتی ها با آمریکا شده است.

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## اخبار کوتاه کارگری

### زنجان - دستگیری نماینده مبارز کارگران پارس مینو

وزیری یکی از عناصر مبارز زنجانی که در جریان کارخانجات پارس مینو خرمدره است که در طول مبارزات کارگران نقش فعالی داشته و حمایت بنیادین آنها سرخوردار می باشد. عوامل هیئت حاکمه ضد خلقی که تا کنون با رها کینه و نفرتشان را نسبت به کارگران آگاه و مبارز پارس مینو و دستگیری آنها نشان داده اند. چندبار تصمیم میگیرند وزیر را دستگیر نمایند (مثل تابستان گذشته) اما بدلیل محبوبیت زیاد وی در میان کارگران و ترس از عکس العمل آنها موقتاً از این کار خودداری میکنند.

عوامل هیئت حاکمه مدتی قبل وزیر را در حالیکه در خانه ای مهیا بود، هنگامی که میخواستند دستگیر میکنند. فردی از نیروی وقت خیر دستگیری وی بگوش کارگران میرسد. همه آنها دست از کار میکشند و به نشانه اعتراض بدستگیری نماینده شان حدود ۱۰ ساعت جاده اصلی تهران - تبریز را می بندند. خیمه شب بازیها و بیرونده های زیبای عوامل مزدور علیه وزیر نمیتواند کارگزارانی را که در زندگی و مبارزات روزمره شان همیشه ورا کتا رخود دیده بودند، بغربند.

اعتصاب و اعتراض کارگران حدود ۳ روز ادامه می یابد ولی وزیر همچنان در محس میماند. سرانجام ۵۰۰ نفر از کارگران به قم رفته و ۱۵۰۰ نفر نیز در کارخانه دست به اعتصاب میزنند. در قم بکنفرانس نماینده از طرف دفتر امام و یک نفر مهندس از طرف بقیه در صفحه ۴

### کارگران صنایع فولاد یک شرکت وابسته به امپریالیسم را ملی اعلام کردند!

های وابسته توانستند همچون گذشته به استثمار و غارت و حشایش کارگران ادامه دهند.

کارگران مجتمع صنایع فولاد زاوه و لنین دسته کارگرانی بودند که هنگام مبارزه علیه رژیم وابسته شاه شاهان دست به اعتصاب زدند و در شهرها و از تظاهرات برپا کردند. این کارگران بعد از قیام مبارزه خود را علیه شرکتی وابسته به امپریالیسم آنها ادامه دادند.

در مقابل این حرکت کارگران، هیئت حاکمه شیراز دستگیری و اخراج کارگران مبارزی همچون "حسن با بادی" و "خیرالله حسن" و دیگران را نسبت به آنها و جماعتش را از سر ما بهاران بشمارش گذاشت.

طی چند روز گذشته مبارزه کارگران این مجتمع (این کارگران در استخدام شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می باشند ولی برای مجتمع صنایع فولاد کار می کنند). شکل تازه تری پیدا کرده است. آنها این بار با عملیات نشان دادند که دیگران میدان را به هیئت حاکمه از دست داده اند.

روز چهارشنبه ۵۸/۱۰/۲۶ کارگران فاسترویلر - تهران جنوب با رد بگرفت و عظمت همبستگی را نشان دادند.

بقیه در صفحه ۴

در حالیکه هیئت حاکمه در حرف دم مبارزه ضد امپریالیسم می زند ولی در عمل قدم اساسی بر ندارد و حتی اعمال انقلابی کارگران و زحمتکشان را در این زمینه محکوم و تصدائلی معرفی میکند. کارگران صنایع فولاد عملاً علیه شرکتی وابسته به امپریالیسم، دست به مبارزه زده اند.

H.Y.L در مجتمع صنایع فولاد چندین شرکت وابسته به امپریالیسم، مانند کورف، لورکی، سو فرساند، مشغول بکار هستند که از طریق بیمه کارکنان آنها می توانند استرویلر و ما را ... نیروی انسانی مورد نیاز خود را تامین میکنند.

نقش این شرکتها و بیمه کارکنان آنها در دسترنج کارگران و مکیدن خون آنها است. مثلاً اگر شرکتی مانند کورف به هزار نفر کارکنان داشته باشد، خودش مستقیماً کارکنان استخدام نمی کند، بلکه از طریق بیمه کارکنان فاسترویلر - تهران جنوب این کار اقدام می نماید. آنچه در این میان نصب شرکت فاسترویلر - تهران جنوب می کرده، دسترنج غارت شده کارگران است. از آنجا که این اقدام بهس ماه هیئت حاکمه در جهت لغو مبارزاتهای امپریالیستی اقدام می نکرد، این شرکتها و بیمه کارکنان

### دستهای متحد و قدرتمند ۵۰۰ نفر کارکنان مبارز "چوکا" سرپرست کارخانه را

#### به عقب نشینی واداشت

که در تقیما مذکور شده اقدام نماید اما از این سی - تفاوتی مدیریت رؤسومی بود. تا اینکه روز ۵۸/۱۰/۲۳ کارکنان بصورت یکجا راجه دست از کار می کشند و مقابل دفتر مدیریت را محاصره می شوند. در این موقع نمایندگان شورای کارکنان با سرپرست گرفتن سرپرست کارخانه از او می خواهند که خواسته های آنها پاسخ دهد. سرپرست کارخانه که با سخاوتی به خواسته های کارگران در ما هیتش نیست و جزیه سنگین ما توانی حاضر به عقب نشینی نمیشود، بدست و با افتاده و با تلقین به شورای انقلاب، دفتر امام، دفتر مرکزی در تهران و نماینده ما در انزلی از آنها برای رهائی خود کمک می طلبد. با آمدن نماینده امام ابتدا کارکنان ما رز به سخنان نشن گوش می دهند، اما وقتی می بینند قدم فریب آنها را دارد، فریاد می کشند: "مقاومت ما اجرا" باید کرد، اما می ساواکی افشاء باید کرد."

بقیه در صفحه ۴

بیش از این در بکار ۳۵ نفر که کارگران و کارمندان مبارز چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) در اجتماع عظیم روز ۵۸/۹/۱۹ خود مدیریت کارخانه و استاندار کیلان را افشاء کرده و از آنها در مورد اعمال ضد کارگرایان (مانند انحلال شورا و دستگیری یکی از اعضا) توضیح خواستند! در همان اجتماع کارکنان با صدور تقیما ۱۴ ماده ای خواستار اخراج افراد مسلح (نیروی ویژه) از کارخانه، اخراج افرادی که با پارتی بازی و سفارش مدیریت به اصطلاح انقلابی و اسلامی سرکار گذاشته شده اند، افشاء لیست ما و اکبها، برداخت تفاوت حقوق کارکنان و ... می شوند. آنها برای انجام خواسته های خود یکماه به مدیریت کارخانه مهلت می دهند. چند روز مانده به پایان وقت تعیین شده، شورای کارکنان به سرپرست اخطار می کنند که برای اجرای خواسته های

### عوامل هیئت حاکمه و کارفرما دست در دست هم علیه کارگران توطئه میکنند

#### گزارشی از کارخانه "قرقره زیبا"

کارگران کارخانه قرقره زیبا که در عمل دریا فته بودند شورای کارخانه شان، یک شورای تحمیلی است که بیشتر برای کارفرما تلاش می کند تا کارگران، از آن قطع امید کرده و خود برای رسیدن به خواسته شان دست به مبارزه می زنند.

از طرف دیگر عوامل کارفرما که تا حد و حد گبیری اعتراضات کارگران هستند، از ترس اینکه آنها خود دست به ایجاد شوری واقعی بزنند، برای بیرون کردن فکرها شتن شورا از سر کارگران و با استغاده از بدبینی آنها نسبت به شوری کارخانه روز به شنبه ۵۸/۱۰/۲۵ انحلال آنرا اعلام می کنند.

در این میان کارگران آگاه و مبارز که از این توطئه آگاه شده بودند، دست به افشای زده و به بقیه کارگران گوشزد می کنند تا بدجای شوری بقیه در صفحه ۴

## پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۳ دستگیری ...

وزارت کار بنا بر مقرر برای حل موضوع تعیین میشود. (این خبر از اعلامیه "گروه باران صمد" زنجان نقل شده و از نتیجه اعتصاب تا کنون اطلاعی بدست ما نرسیده است.)

### نهران - کارگران بافکارو شورای ضد کارگری آن

شورای کارخانه چیت سازی نهران که در ابتدا مورد حمایت کارگران بود، اینک با گذشت زمان و روشن شدن ماهیت ضدکارگریی که در آنجا در جریان است، انجمن کارگران نهران را تشکیل دادند. اگرچه در این شورا عناصرا صریح هم عضو نیستند، اما وجود افراد ضدکارگری چون مفرا رسیلی، غریبال بندوا زهمه مهمتر علی محمد عرب در آن، شورا را عملاً به جماعتی "سروکوب" "مدیرعامل" تبدیل کرده است.

کارگران انتظار داشتند که شورای مذکور در مورد خواسته های آنها مانند ۴ ساعت کار در هفته، دستمزد مناسب و درمانی ... پیگیری کند اما این شورا به هیچیک از خواسته های کارگران توجهی نداشت تا اینکه بدنبال افشاگریهای کارگران آگاسه و سایر کارخانه در باره احمد سالم و عنا صرمد کارگری خود فروخته شورا انجام میدهد. روزیکشنبه ۱۰/۲۳/۱۰ حدود ۲۰۰ نفر از کارگران آژورا میخواستند که هرچه زودتر برای پاسخگویی به شواهد کارگران، مجمع عمومی تشکیل دهد. شورا که میداند تشکیل چنین مجمعی در حقیقت جلسه خدا حافظی خواهد بود، ابتدا طرفه میبرد، اما سرانجام در برابر فشار کارگران تسلیم شده و تشکیل مجمع عمومی را می پذیرد. پس از این مسئله گروهی از کارگران در کارخانه دست به تظاهرات میزنند، آنها شعار میدادند: احمد سالم اخراج باید گردد، پنجشنبه ها تعطیل باید گردد، نیروی ویژه افشا باید گردد، شوروی قلابی منحل باید گردد، شورای واقعی ایجاد باید گردد.

بقیه از صفحه ۳

عوامل هیئت ...

قبلی که منحل اعلام شده و اعضای آن از بالا توسط کارفرما و دولت تعیین شده بودند، شورای دیگری ایجاد شد که اعضای آن نمایندگان واقعی کارگران باشند. به این ترتیب کارگران مبارز میخواستند با اقدامات فاشگری ها به خواسته های اساسی کارگران در رابطه با ایجاد شورای واقعی جهت دهند و توطئه های کارفرما و عواملش را خنثی نمایند. سرانجام کارگران تصمیم میگیرند که روز بعد در کارخانه مجمع شونده برای انتخاب نمایندگان واقعی را اقدام کنند. روز چهارشنبه (۵۸/۱۰/۲۶) با وجود توطئه ها و کوششهای سرپرستها و نگهبانان کارخانه برای کشاندن کارگران به سرکارشان و بی اهمیت جلوه دادن وقایع روز قبل، آنها حاضر نمی شوند و پیش از انتخاب است شورا سرکارها پیشان با زگردهند.

بقیه از صفحه ۳

دسته های متحد ...

کارکنان آنشب تا صبح سرپرست ضدکارگری کارخانه را در اطراف خودش نگهداشته و خود به تحصن ادامه میدهند. فردای آنروز استادان رگیسلان و نما بنده اما در رشت یکمک مدیرعامل می آیند. اینبار نیز استادان را از "مبارزات" خویش و اینکه خانوادهاش از ابتدا کارگروه اندو ... دم زده و سعی میکنند کارگران را بفریبند، اما کارگران و کارمندان که در این موقع تعدادشان به ۵ هزار نفر می رسید و سلطت برقی بودن هوا در سالن کارخانه جمع شده بودند، مرتب شعار می دادند و توطئه آن خواستار اجرای مفاد دقتنا مه و افشای لیست ساواکیها می شدند. سرانجام استادان، نما بنده اما و سرپرست کارخانه که با حیل و فریب نتوانستند کاری از پیش ببرند، در برابر ۵۰۰ انسان یکپارچه و متحد تسلیم و مجبور عقب نشینی می شوند. آنها با امضا صورتجلسه ای تضمین می کنند که:

۱ - ما به التماس و حقوق کارکنان تا آخر بهمن ماه

بقیه از صفحه ۳

کارگران ...

آنها پس از راهپیمایی و تظاهرات که ضمن آن شعار می دادند: کارگریها نمی رسد باید گردد. شرکت پیمانکاری ملی باید گردد. پیمانکاران، پیمانکاران، شریک امیرالیمین کارگر، کارگر، دشمن امیرالیمین ... مقابل دفتر فاسترویلر - تهران جنوب اجتماع کرده و پس از پانزدهین کشیدن تابلوی "کنسرسیوم فاسترویلر - تهران جنوب" بجای آن تابلوی "شرکت ملی پروژه ای" را بالا بردند. این کارگران در اجتماع خود اعتماد کل کارگران فاسترویلر را اعلام کرده و خواسته های خود را بصورت زیربسیان دادند: ۱ - لیغوقرا ردا دسین فاسترویلر - تهران جنوب

پرداخت شود .

۲ - شورا را منتظما ت کارخانه را بعهده بگیرد و افراد مسلح کارخانه را ترک کنند. ۳ - دونفر از نمایندگان با مجوز نما بنده اما م به بررسی پرونده های دادستانی انقلاب بپردازند و لیست ساواکیهای کارخانه را تهیه نمایند. اجرای بقیه مفاد دقتنا مه نیز در صورتجلسه تضمین می گردد. بدین ترتیب بار دیگر کارگران شکوه قدرت همبستگی و تشکل را مشاهده می کنند. آنها پیش از پیش درمی بایند که تنها راه صلاح گرفتن حقوق با اعمال شده شان یکپارچگی و تشکل است. در سایه همین اتحاد دیوکه وقتی شورا متوجه شد سرپرست کارخانه برای چندن از مدیران که تفاقی یکی از آنها از فعالین انجمن اسلامی بوده و قرا رود مشغلا "قی سبیل الله" کارکنند، مبلغ زیادی اضافه حقوق زده، توانست احکام آنها را لغو کرده و این مدیران اسلامی را افشا نماید.

برهان اساد اتحاد و همبستگی کارگران و کارمندان مبارز "چوکا"

و صنایع فولاد .

۲ - رسمی شدن تمام کارگران پیمانکار موجود در مجتمع فولاد . ۳ - تمام کارگران پروژه ای ایران با بدزیربوشن یک "شرکت ملی پروژه ای" قرا بگیرند تا هنگام همکاری از "حق بیمه بیکاری" استفاده کنند. ۴ - تمام کارگران پروژه ای با بدزیربوشن یک شرکت ملی در ایران بهره مند شوند. کارگران فاسترویلر - تهران جنوب اعلام کرده اند که اگر به خواسته های شان رسیدگی نشود به شیوه های دیگر مبارزات دست خواهند زد. در ضمن کارگران مبارز شرکت "مانا" و "ماشین سازی پارس" از مبارزه این کارگران پشتیبانی کرده اند! گسترده تر با بدزیربوشن امیرالیمین عدا رتاجی کارگران و زحمتکشان! مستحکم با بدزیربوشن همبستگی کارگران!

تحمل کند و با ناراحتی همراه با نشان از کارخانه بیرون می رود. پس از رفتن بکاشی، افسری که همراهش بود میان کارگران می رود و با جرب زبانی و وعده های شیرین از کارگران می خواهد که خواهسته های شان را نوشته و بدهند تا برایشان انجام دهد. با وجودیکه عده ای از کارگران آگاه و کوشیدند اما هیئت واقعی چنین عناصری را برای بقیه توضیح بدهند ولی سلطت عدم آگاهی و نبودن هماهنگی در بین کارگران، افسر مذکور موفق می شود صورت خواهسته های کارگران را بگیرد و در حالیکه تعدادی از آنها را مردود و بخود میدارد و رگروه بود کارخانه را ترک کند. برای کارگران آگاه واضح بود که دادن خواهسته به آن افسر چشم میدوبه و دواختن کار را شتاب می دهد. زیرا این عمل یعنی کارگران میتوانند غیر از طریق شورای واقعی خود، از راهی دیگر نیز به خواهسته های بقیه در صفحه ۱۷

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



# خلق‌ها و مسئله ملی



## پشتیبانی از منحصبین سندج

روزیگشته ۵۸/۱۰/۳۰ دعوت دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار سازمان عده‌کشی‌ری از دانشجویان و دانش‌آموزان مردم‌مبارز شهران در میتینگی که برای پشتیبانی از مبارزه دلیرانه مردم سندج و تحمّن آنها در دستکده صنعتی یلسی-تکنیک تهران برپا گردیده بود، گسرد آمدند و پشتیبانی قاطع خود را از خلق کردارخواستها و شعارهای انقلابی آنان اعلام نمودند. در زیر قسمتی از پیام سازمان را که در این مراسم خوانده شد ملاحظه منکند:

### هموطنان مبارز! دوستان و رفقا!

امروز مردم مبارز سندج وارد هجدهمین روز تحمّن و اعتصاب سرتاسری مدارس، بازار، ادارات، برای اخراج پاسداران که از عوامل مهم در کبری - های منطقه و ابزار رژیم در سرکوب خلق کرده‌ستند، شده‌اند. مردم سندج، بحق می‌رسند که تا آنکه همین دو سه ماه پیش سر خلق ما کلوله باریده‌اند، چگونه می‌توانند منیب ما را حفظ کنند؟ کسانی که وظیفه - شان پاسداری از پاسواری و ستم طبقاتی و ملیسی و شوتیسم فارس است، بحد دلیل حق حضور مسلحانه در میان خلق ستمدیده گرد در آ دارند؛ و خلق کرد در سرتاسر شهرها و روستا های کردسان از مردم مبارز سندج پشتیبانی منکند و چنین است که امروز شهر شهرمان پرور سندج به مرکز همبستگی و سکر مستحکم اس خلق شهرمان در مبارزه علیه ارتجاع و امیریا - لیم تبدیل شده است ...

در پایان اعلام بدین ازا نا به نظر هرا ت سرتاسری در پشتیبانی از خلق کرد که به دعوت "ما موستا" صخ غزالدس حبیبی مورث گرفت و حمایت بکبار چه خلق کردار مردم سندج و همجنس نوظنه‌های سیاسی و مدارک نظامی رژیم غلبه خلقی کرد آمده است که:

تحمّن مردم مبارز سندج تحسن خلقهای تحت ستم ما را برانگیخته است و همه نوظنه‌های آکا ه خلق و در آسان کارگران و زحمتکشان آکا ه، بدان اهمیت بسیار فا تلند، میتینگی سترکه امروز در اینجا برگزار گردیده‌نا نه همبستگی عمیق روشنفکران انقلابی و نوظنه‌های آکا ه خلق با خلق شهرمان کرد است. ما از این فرصت استفاده کرده، به خلق کرد و بخصوص به مردم مبارز سندج که چنین مرکز همبستگی و بیوند انقلابی را بوجود آورده‌اند، درود مغرستم و اعلام مداریم که در حد توان خود پشتیبان خواست - های آنان هستیم .

برقرار باد خودمختاری خلقها در چارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک  
مرکز بر امیرالایم و ارتح - باغ  
گرامی باد یاد نمای شهدای خلقهای ایران  
" سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر "

۱۳۵۸/۱۰/۳۰

## جلادان "قارنا" در تدارک نوظنه‌های دیگر

● هنگ ژاندارمری نغده به همراه عوامل مزدور و فتودالهای سرسپرد های چون بهمن خان خسروی و عظیم معبودی که هر دو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تپا آرنج بخون اهالی نغده، "قارنا" و "کانی مام سید" فرو رفته‌است، کسانی که حتی توسط آقای بهادران (نماینده آیت اله خمینی) نیز رسوا شده‌اند. همراه خان بزرگ منطقه، حسینقلی خان امیر فلاح و زیر نظر باند های آتش افروز رژیم (همچون چمران و ... ) و با پول خلق نغذگی جمع می‌کنند تا فاجعهای دیگر بیا فرینند .

و همه‌جا بنده با ارکانهای رژیم حاکم و فتودالهای منطقه کنا ت. اما جنا که از او هدیداست، رژیم حاکم تلاش برای جلب و سبب نوظنه‌های نا آگاه سلدور به صف ضد انقلاب را شروع کرده‌وا حتمال می‌رود که با مشارکت و همکاری فتودالها و مالکین بزرگ اقدام به فریبی مدا انقلابی کرده‌وا - سرتاسر مبارزه دهقانان برای ممانده و کسب رمنهای مالکین بزرگ بر سر و بدستی طریق نوظنه‌ها را از ما رها ملی - شان منحرف نموده‌وا تان را در اردوگا ضد انقلاب، بر علیه خلق کرد کرد آورد .

رژیم با استفاده از نغده‌ای که بدنیال جنگ خونین نغده‌سین نوظنه‌های نا آگاه ترک و کرد منطقه ایجاد شد، سوسله عنا صراحتش هر روز ما تا بعد - پراکتی و تحریکات خا ثنا نه به بدستی نوظنه‌های ترک و کرد سلدور نسبت به یکدیگر دامن میرسد. آنها را آماده برادرکنی و خونریزی محدود می‌نماید. اما این بار دانه نوظنه نسبت به جنگ خونین نغده، توسعه یافته‌وا ملان نوظنه، نه تنها کرده‌ای مقیم سلدور، بلکه کل جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد را نشانه رفته‌اند .

متعاقب جنگ خونین نغده و سپس قتل عام ۲۵۰ تن اهالی روستا های قارنا و کانی مام سید، اینبار رژیم ضد خلقی حاکم بدنیال شکست مفتضحانه‌اش در کردستان به طرح نوظنه جدیدی برای رودر و سرتاسر دادن نوظنه‌های نا آگاه هرک سلدور (نغده و حومه) و خلق مبارز کرد دست باز شده‌است .

چندی است که سبیل نیروهای ارتشی و ژاندارم و مهمات جنگی، از بنیرا شهر، اشویه و شهرهای دیگر بسوی نغده سرتاسر شده و می‌تفقه سلدور آگاه ما می‌سین شهرهای کرده‌نشین مها با دوا اشویه، بنیرا شهر و واقع است به منطقه‌ای شبه نظامی تبدیل نموده‌است .

از سوی دیگر هنگ ژاندارمری نغده به همسرا ه عوامل مزدور و فتودالهای - سرسپرد های چون بهمن - خان خسروی و عظیم معبودی که هر دو از عوامل معروف ساواک بودند و بعد ها هم دستشان تا آرنج بخون اهالی نغده، قارنا و کانی مام سید آغشته شده و کوس رسوایشان حتی توسط نماینده خمینی (آقای - بهادران) نیز در سرتاسر ایران نواخته شد، با یکسی دیگر ز فتودالهای بزرگ منطقه با سم حسینقلی خان امیر فلاح و بدستور با ندهای آتش افروز رژیم و ساواک - های که توسط دولت در اختیار آنها قرار داده شده‌است، اقدام به استخدام سدها مزدور با سم جوان مردم و مجاهد کرده‌وا تبلیغ آنان نیروی بزرگی را برای سرکوب جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد فراهم آورده‌اند .

این سه عنصر خا ت "عظیم معبودی" بهمن خان خسروی و حسینقلی خان امیر فلاح" مزدعنا بت رژیم که تیشه قدرت از دست رفته فتودالهای پیشین هستند بدلیل ما هیت ضد خلقی خود برای رسیدن به این قدرت و سرکوب نوظنه‌ها از هیچ تجاوز، خونریزی و قتل عام نوظنه‌های زحمتکشان کرد و ترک ابا نکرده و چه بسا که فجا بیی خونین تراز جنگ نغده و قتل عام قارنا و کانی مام سید را تکرار خوا هند کرد .

اینان در شرایطی خود را برای سرکوب نوظنه‌ها آماده می‌کنند که هر روز موج ناراضیاتی نوظنه‌ها از کرانی، بیکاری، مزاحمتهای پاسداران و ... فرو - نی می‌با بدومی رود که نوظنه‌ها را بمبارزه‌ای وسیع



# برقرار باد خودمختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

### اصلاحات ارضی امپریالیستی: راه‌گشای توسعه سرمایه‌داری وابسته

بمناسبت ضد انقلاب  
ششم بهمن شاه و کندی:

● اجرای "اصلاحات ارضی" امپریالیستی تغییرات مهمی را در شیوه استثمار زحمتکشان و در جهت توسعه مناسبات سرمایه‌داری وابسته در شهرها و روستاها بوجود آورد. شیوه استثمار دهقانان که در دوران تسلط فئودالیسم بر روستاها بوسیله جذب کارااضی دهقان توسط مالکین انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه‌داری وابسته شکل دیگری یافت.

ششم بهمن امسال یادآور گذشت ۱۷ سال از "رفراندم" طرح امپریالیستی "اصلاحات ارضی" است. در آن سالها برنامه‌ها، نیازها، ضرورت‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی سرمایه‌های امپریالیستی از نقطه نظر توسعه، نفوذ، حضور و عملکرد سرمایه‌های امپریالیستی در اقتصاد کشورهای وابسته با ضرورت رفیرم امپریالیستی رافراهم آورده بود. صدور سرمایه و صدور کاراها ی امپریالیستی و توسعه بازار و برداشتن شما می موانع اقتصادی - اجتماعی، رشد مناسبات سرمایه‌داری در جامعه ما را اجتناب ناپذیر کرده بود. امپریالیسم آمریکا به دنبال رشد یک دوره نفوذش در ایران از جنگ دوم به این طرف بویژه از کودتای جنایتکارانه سال ۳۲ با توسعه مناسبات سرمایه‌داری که در خدمت سرمایه‌های امپریالیستی بود، با مناسبات فئودالیسی، فئودالهای بزرگی که عمدتاً با بگاها اجتماعی - سنتی امپریالیسم انگلستان در کشور ما بود، در تضاد قرار داشت. پس از یک دوره درگیری آشکار بین نیروهای ارتجاعی حاکم ایران، امپریالیسم آمریکا طرح "اصلاحات ارضی" را که اساساً با شکست نیازها و منافع سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا بود و سلطه سیاسی - اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی آنرا بر میهن ما تا مین میکرد توسط همان ماشین دولتی وابسته به امپریالیسم و بدست همان نمایندگان امپریالیستی و ارتجاع داخلی به اجرا در آورد.

۲- اصلاحات ارضی امپریالیستی در شرایطی انجام میگرفت که فئودالیسم به بیکر فرسوده‌ای تبدیل شده بود، با شیوه تولید جدید عقب مانده کشاورزی و درآندیسارنا چیزناشی از این اقتصاد عقب افتاده نوده وسیع دهقانان فاقد قدرت خرید و جذب کاراها ی سرمایه‌داری بودند. دهقانان بشیوه عقب مانده‌ای استنارمی شدند و نیروی کارشان از دیدگاه بور - زواری وابسته باطل مانده بود. کاراها ی امپریالیستی بر اثر استقرار اقتصاد طبیعی در روستاها، کمتر به آنجا راه می یافت. لذا دگرگون کردن مناسبات اقتصادی فئودالی در روستاها ضروری بود.

۵- تبدیل اقتصاد ایران بیک اقتصاد مصرفی که در آن کاراها ی امپریالیستی به میزان وسیع جذب کرد و با زارداخلی کاملاً در اختیار امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار گیرد، یکی دیگر از هدفهای "اصلاحات ارضی" بشمار می رفت. نا بودی کشاورزی دهقانی ایران و وابسته شدن اقتصاد کشور به واردات کشاورزی امپریالیستها، جنبه دیگری از منافع امپریالیسم آمریکا را تشکیل میداد.

۲- "اصلاحات ارضی" بهیچوجه حمله یک رفیرم بورژوازی راه‌نداشت. اگر بورژوازی در دو قرن پیش با شعار اصلاحات ارضی، توده‌های دهقانی را به دنبال خود میکشید و هدف آن توسعه و تحکیم بازار صنایع داخلی بنفع توسعه سرمایه‌داری، تکامل نیروهای مولده، نابودی فئودالیسم بود. "اصلاحات ارضی" امپریالیستی که بدست ناها انجام شد مبتنی بر نیازها و منافع سرمایه‌داری وابسته کندیده و خلقی بود. در واقع بدنبال "اصلاحات ارضی" نه تنها تولیدات داخلی و اقتصاد ملی بشمار از دستش موردتجاهم و محدودیت فرار می گرفت. بلکه این "اصلاحات" راه‌گشای گسترش حضور نفوذ سرمایه‌داری خارجی در اقتصاد دویا زارداخلی و رشد سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم در شهر و روستا گردید.

۳- اصلاحات ارضی امپریالیستی، عقب نشینی ارتجاع در مقابل تهاجم و رشد جنبش انقلابی نوده‌ای نبود. هر چند که یکی از اهداف سیاسی امپریالیسم آمریکا ازین بردن انگیزه‌های رزانی نوده‌های دهقانی حتی بطور موقتی و مفاصله با پتانسیل انقلابی بالقوه دجا معدود. دلیل این امر اینست که اگر این مسئله عقب نشینی امپریالیسم در دوران اعتلای انقلابی بشمار رود، قاعدتاً در هنگام فروکش کردن جنبش با یستی دویا رهین گرفته شود. در حالیکه ما نا حدان بودیم که اصلاحات ارضی در مجموع مطابق آنچه که را بسند در سال ۴۱ طرح ریزی نده بود. با همان مضمون و محتوا در جهت نیازها و اهداف امپریالیسم اجرا شد.

۶- و بالاخره ایجاد یک قشر مرفه دهقانی که با استفاده از کاراها ی امپریالیستی در جهت رشد بورژوازی و از نظر اجتماعی نیز با بگاها و حافظ رژیم ناها باشد، می توانست یکی دیگر از اهداف امپریالیستها در اجرای اصلاحات ارضی باشد. در عین حال وابستگی شدید اقتصاد ایران به امپریالیسم، رشد جنبش قشری را بویژه در سالهای اخیر ازین برده

قبلاً مچونین ۱۵ خرداد ۴۲ که مفاصله وقت نوده‌ای به ویژه توده‌های خرد بورژوازی شهر در برابر این تهاجم ضد خلقی امپریالیسم و عمال ارتجاعی نوده اعتبار خیانت بورژوازی ضد انقلابی و نا توانی و ضعف سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی خرد بورژوازی، فقدان حضور و نفوذ فعال سازمانهای انقلابی و بی سازمانی و پراکنده‌ی توده‌ها سرعت توسط ارتجاع سرکوب شد. ارتجاع با غلبه بر بحران اقتصادی و سیاسی و اعتلای انقلابی در این دوره (۴۲-۴۸) توانست با حفظ سلطنت بوسیده پهلوی، تشدید احتیاج و فشار، مناسبات سرمایه‌داری را در جهت توسعه و تعمیق وابستگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه طی یک دوره توسعه داده و ساختار معدود دگرگون سازد. از آنجا که مضمون اصلی و فرعی که توسط امپریالیسم و ارتجاع دست نشانده آن در روز ۶ بهمن ۴۱ به "رفراندم" شد عمدتاً مربوط به مسئله ارضی بود، ما در زیربط طور خلاصه در مورد "اصلاحات" امپریالیستی و ویژگیها و نتایج آن نکاتی را یادآور می شویم.

نوع مالکیت	سابقاً	حالی	موقوفه	سلطنتی	شش دانگی	خرده مالکی	دانگی
درصد	۰/۵	۰/۶	۱/۸	۴/۰	۲۳/۴	۴۱/۹	۱۰/۹
						خرده مالکی (اریاب - رعیتی) و (خرده مالکی عامل دهقانی)	
درصد	۰/۵			۲۶/۰			۵۲/۸

جدول ۱- وضعیت مالکیت بر زمین قبل از "اصلاحات ارضی"

سلطنتی - املاک متعلق به دربار .  
موقوفه - املاکی که از طرف شخصی وقف شده باشد.  
خالصه - املاک دولتی  
مخلوط - ما ننده‌ی که نصف آن خالصه و نصف دیگر آن دانگی باشد.  
ماخذ - جمشید بهمنام: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران

شش دانگی - دهی که تمام آن متعلق به شخص واحد باشد.  
دانگی - دهی که چند مالک دارد به شرطی که هر سهم هر کدام کمتر از ۱ دانگ نباشد.  
خرده مالکی - دهی که میزان مالکیت هر مالک کمتر از یک دانگ باشد.

۱- این اصلاحات نه بدست توده‌های زحمتکش دهقانی، بلکه مستخادبست فئودال بورژواها بورژوازی وابسته و طراحی امپریالیسم آمریکا انجام می گرفت. بنابراین هدف اصلی از اجرای آن نه زمین دار کردن دهقانان بنفع خود آنان، بلکه سرمایه‌داری کردن فئودالها و گسترش وابستگی اقتصادی همه جا نده و دربرگرفتن روستاها و کلا در چهارچوب منافع امپریالیسم و ارتجاع انجام میگرفت.

## کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

مبلغ را بخود اختصاص داده است. بدون شک اگر بخوا هم سهم تولید کشتا ورزی را از آنچه که مربوط به تولید هفتا می شود از تولید سرمایه داری ارضی جدا کنیم، خط مربوط به کشتا ورزی در نمودار را سیر نزولی خواهد داشت زیرا همواره توده های عظیمی از دهقانان زبیر با رقرض، زمین های خود را رها کرده و آوار شهرها شده اند. نمودار ۲ سهم تولید کشتا ورزی را نسبت به تولید ناخالص ملی بصورت درصد نشان می دهد (خط پر).

همانطور که ملاحظه می شود در فاصله بین سالها همواره سهم کشتا ورزی در تولید ملی کاهش یافته است. در همین حال در این فاصله جمعیت کشتا ورزی ایران بر اثر مهاجرت روستائیان به شهرها سیر نزولی داشته است.

این مسائل تا حدودی می توانند تئوریک "املاحات ارضی" شاه را نشان دهد. مادر آئینده سعی خواهد کرد در مورد نهادهای ارضی مقالات دیگری منتشر سازیم ■

- (۱) - خسرو خسروی: جامعه شناسی روستایی ایران.
- (۲) - بر طبق آمار بانک مرکزی، تورم بین سالهای ۴۹ تا ۵۷ بالغ بر ۱۴۱/۵٪ بوده است. ولی در طبق این سالها افزایش قابل ملاحظه ای در نرخ هزینه محصولات اساسی کشتا ورزی نظیر گندم و جو، پنبه و چغندر بعمل نمی آید و در طول این سالها نرخ خریداری شده این محصولات ارکشا ورزان از طرفس وارد کردن این محصولات ارکشورهای امیربالیستی یا کسب نگاه داشته شده :

بقیه از صفحه ۵

هیئت حاکمه ...

و بسته به آنها و نسبت دادن "تدا انقلابی" و "آمریکائی" و "اخلاقگر" بشما بنا بستی کوچکترین خلی در اراده مصممان برای ادامه انقلاب فدا میربالیستی - فد ارتجاعی باشد. اقدامات اغتاضی همچون "گروسی" حتی اگر خیرخواهانه باشد، نباید بستی باعث خوش باوری شما نسبت به هیئت حاکمه شود و از اینکسار انتقالی شما برای ممانعت از آنها جلوگیری کند.

رفقای هادار و نیروهای انقلابی!

۱- در ممانعت از آنها با رتزمان های خالی توسط زحمتکشان دقت کنید که آ با رتزمان های کوچک متعلق به سرمایه داران کوچک مورد ممانعت قرار نگیرد. این کار بایستی با کار توضیحی در میان زحمتکشان انجام گیرد. همینطور در مورد ممانعت از زمین ها برای خانه سازی این مسئله بایستی مورد توجه قرار گیرد.

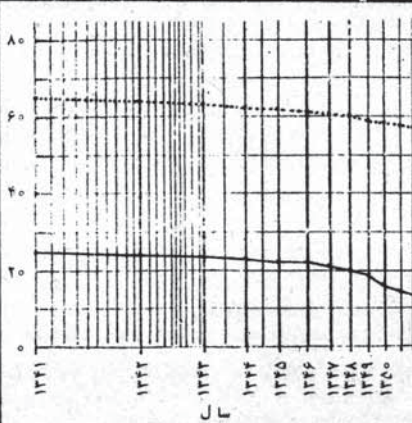
۲- در افشای ماهیت فدخلتی هیئت حاکمه و ترغیب زحمتکشان به انجام امینکار مستقل خود بایستی به اقدامات خانه سازی گروسی نیز بر خورد مشخص کنید. مضمون برخورد با افرادی نظیر گروسی برای این پایه استوار است که اقدامات این افراد حتی اگر خیرخواهانه هم باشد از آنجا که مانع ابتکار انقلابی و مستقل توده ها شده و میدانها را به بخش هیئت حاکمه بیشتر می کند، عملاً در جهت منافع هیئت حاکمه است.

۳- تشکیل کمیته ای از نمایندگان ممانعت کنندگان برای جلوگیری از هرج و مرج، تداوم مبارزه انقلابی در برابر حملات ارتجاع و آگاهانه کردن مبارزه توده ای ضرورت دارد. عناصراکساره بایستی در تشکیل این کمیته ها نقش فعالی داشته باشند ■

۱۳۳۵ نشان می دهد همانطور که از جدول ۱ مشاهده می شود تقریباً در کلیه روستا های ایران روابط ارباب - رعیتی وجود داشته است. در ۴۶٪ از دهات بزرگ مالکی با همان روابط ارباب رعیتی وجود داشته که در اشکال مختلف بزرگ مالکی بصورت ملک (شخصی)، دولتی، وقفی، سلطنتی بوده است. طبق یک آمار دولتی، تنها یک نفر در ایران ۲۱۵ دهه شادانگ داشته است (۱).

اجرای "املاحات ارضی" امیربالیستی تغییرات مهمی را در شیوه استثمار زحمتکشان و در جهت توسعه مناسبات سرمایه داری و بسته در شهرها و روستاها بوجود آورد. شیوه استثمار دهقانان که در دوران تسلط مئودا لیسیم بر روستاها بوسیله جذب کارا فاقی - دهقان توسط مالک انجام میشد، در شیوه تولید سرمایه داری و بسته شکل دیگری یافت. در اینجا بختی از نیروی کار دهقانان (دهقانان کنده شده از زمین) بوسیله صنایع وابسته، کشتا ورزی مکانیزه و ساختمان سازی و ... بجای سرمایه داران وابسته و سرمایه داران لیبرال و امیربالیسم می رود. بخش دیگر دهقانان که همچنان منبع اصلی تولیدشان شیوه تولید خرده مالکی است، ارزش آفاقی حاصل از کارشان چه مستقیماً توسط شرکتها یا تعاونی، بانک های دولتی و ... چه غیر مستقیماً بوسیله انحصار خرید یک جانبه محصولات عمده کشتا ورزی توسط دولت و ثابت نگه داشتن قیمت محصولات کشتا ورزی در مقابل رشدی وقفه تورم (۲)، بجای انحصارات داخلی و وابسته به امیربالیسم می رود.

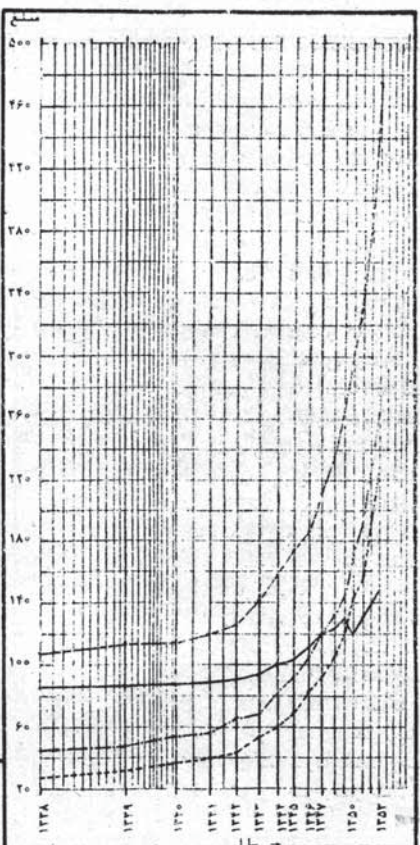
از هنگام املاحات ارضی تا به امروز، سرمایه ملی برای اقتصاد کشتا ورزی ایران وارد آمده است. سرمایه داری در رشته های غیر تولیدی، بجز حصرت آوری رشد کرده است. نمودار ۱ تولید ناخالص ملی را بر حسب ۴ رشته کشتا ورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات نشان می دهد. همانطور که ملاحظه می شود، در حالیکه در فاصله سالهای ۵۲ - ۳۸ تولید کشتا ورزی رشد بسیار کندی داشته است، سهم مربوط به خدمات که یک رشته غیر تولیدی است چهره شایسته آوری داشته است و همواره در میان رشته های اقتصادی پیشترین



نمودار ۲ - درصد تولید کشتا ورزی در تولید ناخالص ملی (خط پر) و درصد جمعیت روستائی نسبت به جمعیت کل کشور (نقطه چین) در سالهای مختلف. ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران مقیاس: لگاریتم.

بود، زیرا که نسبت یک جانبه نرخ محصولات اساسی کشتا ورزی توسط دولت، واردات سرمایه آمور محصولات کشتا ورزی از خارج و ... هزینه ملیکی برای اقتصاد روستائی وارد آورد و اقنار مرنه دهقانی را هم تحت فشار قرار میداد. و این عملکردها از سوی دیگر اقنار رفیق دهقانی را فقیرتر کرده و سبب تشدید مهاجرت آنها به شهرها گردید.

و بصیت مئودا لیسیم در ایران قبل از "رفرم ارضی" چه بود؟ جدول ۱ میزان مالکیت ارضی را در سال



نمودار ۱ - تولید ناخالص ملی بر حسب گروه های اصلی فعالیت های اقتصادی به قیمت ثابت در سالهای مختلف (میلیارد ریال)

کشاورزی  
نفت  
صنایع و معادن  
خدمات

مقیاس: لگاریتمی

کشاورزی شامل زراعت، دامپروری، جنگلکاری، ماهیگیری و شکار.

نفت شامل درآمدهای است که از اکتشاف، استخراج، تولید و توزیع مواد نفتی عاید شده است.

صنایع و معادن شامل صنعت، معدن، ساختمان، آب و برق.

خدمات شامل حمل و نقل و ارتباطات، بانکداری، بیمه گری و دولتی، بازرگانی داخلی، کرایه مسکن، خدمات دولتی و خدمات خصوصی است.

ماخذ - بیان آماری تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران - مرکز آمار ایران ۱۳۵۵.





## زیگراگهای ضد انقلاب وانعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۵)

### نگاهی به مواضع سیاسی "حقیقت" در مرحله اخیر

در شماره بیستین، مواضع "حقیقت" را در مرحله اول از دوره سوم مورد ارزیابی مختصر قرار دادیم، اکنون مکتوب ما این مواضع را بطور اجمالی در بررسی

از جنبه‌های آن، در مرحله اخیر، مرحله دوم از دوره سوم مورد بررسی قرار دهیم. همانطور که در مقاله "ریزکها کهای خدا انقلاب..." (ضمیمه پیکار ۲۴) توضیح دادیم، در این مرحله، بر اثر رشد انقلاب و گسترش جنبش انقلابی توده‌ها، شکست فدا انقلاب در کردستان و زردتستان قضاوت و درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت سیاسی حاکم، جرحی در تانک‌های هیئت حاکمه و جناح‌های مختلف آن بوجود می‌آید. در کردستان تانک "تبر" جای خود را به تانک "طلح" و عفت نشینی میدهد. و حتی از هیئت حاکمه تانک‌ها هم تانک‌ها ظاهری با جنبش فدا میریالیستی بوده‌ها را در پیش می‌گیرند و با عوض کردن تبلیغات "آنتی کمونیستی" خود در یک مرحله، به حمله بردازی "فدا میریالیستی" دست می‌یازد. پس تغییر تانک، زمینه‌ساز در رد و ریزش و تانک‌های در جنبش کاگر و کمونیستی را فراهم می‌سازد و خطوط سیاسی کونا کون را با برجستگی بیشتر بازمی‌نمایاند. آن بیستیم مواضع "انحاده کمونیستهای ایران" در این دوران چگونه است.

### ۱- مواضع "حقیقت" در قبال خرده بورژوازی

"حقیقت" شماره ۴۷ در مقاله "خط‌ها روشن ترمی شود"، می‌نویسد: "تباری از خواسته‌های اساسی مردم در مبارزه با امپریالیسم که ۹ ماه به وسیله دولت و شورای "انقلاب" سازشکار ریخت‌گوش انداخته شده بود، دوباره سرزبان‌های مردم آمد و یکمدا فریاد کردند و این فریاد بی‌سبب و بی‌مبدا میریالیسم و ارتجاع می‌باشد. سرما به گذاران انحنا ریز آمریکا شی و مستشاران و جاسوسان نظامی که پنهانی و آشکار دوباره سر و کله‌شان در ایران پیدا شده بود، دوباره با سفر راستند و گورشان را گم کردند. سرما به گذاران وابسته که با پشتیبانی دولت سازشکار آرام آرام وضع را ماسع می‌یافتند، تا که آن وضع را در گورشان یافتند (چرا تا که آن؟) و دیدند کارگران عملاً در پی ملی کردن کارخانجات و موسسات وابسته به امپریالیسم آنها هستند. سزای ارتش محمدرضا‌ها که دوباره از سرکت وجود لیبیرال‌های سازشکار و ولایت فقیه‌های مکاربال و پیرافتنه ولایت خریدار سلحه و مهمات می‌دادند، به لاک خود فرو رفتند. ملاکان و بورژوا فئودال‌ها که املاک ارضی بزرگ خود را دست نخورده دیدند و لولوی قانوسی را به امپریالیسم خویش یافتند، تا که آن مواضع با خواسته سیاسی از نیروهای انقلابی و مردم شدند که از "شورای انقلاب" خواستار حل فئودالیسم در ایران شدند...

آری بزرگترین فریاد امپریالیسم و استکان آن در ایران تانکون خورده اندونوش جانان! ("حقیقت ۴۷"). این تغییر "تا که آن" در اوضاع، که در پی آمد خود اینهمه "دست‌آورد" داشته است، چه معجزه غریبی است؟ آیا "انقلاب" دیگری صورت گرفته است، که چنین "گام"‌های بلندی در "تکان" مبارزات فدا میریالیستی و فدا ارتجاعی ایران را بتوان توضیح داد؟ یا اینکه مردم ایران بکشیه خواب‌نما شده و "تا که آن" دریا فتنه‌انگه و مضمیتا! در این ۹ ماه در "سیرا" حرکت می‌کرده بدو سبب همگ کرده اند تا چنین "طوفانی" را بوجود آورند که دنبال خود "بزرگترین فریاد" را بر پیکر امپریالیسم و ارتجاع وارد نماید؟

تا آنجا که ما جستجو کردیم، نه از این "دستاورد"های عظیم "خبری دیدیم" و نه از آن رفت و برگشت‌های انقلاب ایران و جنبش انقلابی مردم. آنچه ما مشاهده کردیم می‌کنیم به‌های استوار سرما به‌داری وابسته ایران است، که کماکان در مضمیت حافظان جدیدش در قدرت سیاسی، به زندگی غارت‌گرانه و استثمارگرانه خود، در همه‌شئون مادی زندگی توده‌های زحمتکش ادامه میدهد. و کارگران و زحمتکشان ایران را در زیر بار زبانه‌بهره‌کشی، بحران اقتصادی و فشار مادی خود خرد می‌کند. کارگران و زحمتکشان می‌بینند که

مظاهراتی ستما میریالیستی که در بقی سیستم سرما به‌داری وابسته ایران متجلی می‌شود، کماکان برقرار است. هیئت حاکمه نیز جز جمله‌های فسی فریبکارانه فدا میریالیستی هیچ اقدامی در جهت ضربه زدن به این مظاهراتی ستما میریالیستی نبرداشته‌اند. نه انحصارگران غارتگرین المللی در اثر این تغییر "تا که آن" فراری شده و گورشان را گم کرده‌اند، نه سرما به‌داری وابسته "تا که آن" وضع را در گورشان یافتند و بلاخره نه ملاکان و بورژوا فئودال‌ها تا که آن مواضع را خواسته‌های سیاسی از نیروهای انقلابی و مردم شدند. پس واقعیت چیست؟ چرا "حقیقت" این چنین هولزده می‌گردد حقا بسو را غیر واقعی جلوه دهد؟ از "حقیقت" تا بدیرسد که جز یکی دوشکت وابسته به نام مرکزهای حفاری نفت سد کوئید ایران و... سوسله کارگران قهرمان آنها، ملی اعلام شدند، کداسی "کارخانجات و موسسات" وابسته به امپریالیسم توسط رژیم، ملی شده‌اند؟

شکی نیست که در جریان رشد مبارزات فدا میریالیستی - فدا ارتجاعی اخیر خلق قهرمان ایران، امپریالیسم صریحی از لحاظ سیاسی، چه در سطح ملی - المللی و چه در سطح داخلی دریافت نمود. مبارزاتی که به‌طور "تا که آن" بلکه در ادامه مبارزات رشد یافته مردم میهن ما س از قیام شکل گرفته و سداوم یافت است. اما خواسته‌های اساسی فدا میریالیستی و فدا ارتجاعی مردم، که مبارزات آن به‌حول آن شکل گرفته است، با مقاومت ارتجاعی هیئت حاکمه که می‌گوشد این خواسته‌ها را در محدود یک سلسله اقدامات رفیعیستی بدینند کند، روبرو شده و نتوانسته است صورت تحقق بخود گیرد.

لیکن "حقیقت" از ضربات "جدی" بر پیکر امپریالیسم، سرما به گذاران وابسته و ملاکان و بورژوا فئودال‌ها سخن می‌گوید و معقد است که "امپریالیسم" و استکان آن "در ایران" بزرگترین فریاد "تا که آن" کرده‌اند! تا بسد برسند که سلورات عملی این ضربات "جدی" بر سبب امپریالیسم و وابسته ز عقب نشینی فئودال‌ها در کجاست. اگر منظور ما رزها کارگران بخاطر ملی کردن موسسات امپریالیستی است، که اس سال ۹۹ ماه است ادا شده‌اند، و همچنان در سطح "خواست" و مبارزه در راه محقق آن باقی مانده است.

اگر مقصود جنبش عظیم دفاعی در سزای بر زمین‌داران بزرگ و بیگانه‌ای فئو - دالیسم و بوروکراسی وسیع و ولتی است که اس سال ۹۹ ماه هم‌محسان ادا شده و روبرو بر سر گسترش می‌یافت است، و امروز سرفظ نشده است، دستاوردهای انقلابی این جنبش نیز به‌طور "تا که آن" در اس مقطع، بلکه کامپگار در پی این دوران مبارزه توسط خود هفتان حاصل شده است. حقیقت چیست؟ آن عامل معجزه‌آسائی که "تا که آن" و در یک مقطع کونا، ارتجاع را آنچنان "دگرگون" کرده است که در کجاست "حقیقت" را بدین چنین سدا کند؟

"بورژوازی لیبرال و نماینده‌اش بزرگان" که سبب را از انحنا رطلمی سکود و شکایت می‌کنند ولی خود در قیامه کردن و انحنا رفدرت برآید است. ۹ ماه تمام خرده بورژوازی را سر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی و جبارانند و جهت اصلی مبارزه را منحرف ساخت ولی با فائادان جهت مبارزه سر روی خط صحیح ضربه‌ای در خود دریافت داشت.

بدین ترتیب مطابق نظر "حقیقت" عامل اصلی بوجود آورنده تغییرات "تا که آن" در اوضاع جامعه، بازگشت خرده بورژوازی به "خط قبلی" خود و امتداد مبارزه مردم توسط این نیرو "سر روی خط صحیح" است. در واقع بر اساس این نظر، خرده بورژوازی با دست‌باز زدن به یک کودتا بر علیه بورژوازی و امپریالیستی، سرما به‌داری وابسته، فئودال‌ها و... پس از ۹ ماه حرکت شاه‌سنا به با آنها، بورژوازی را از خود می‌داند و طوفانی در سطح جامعه بدین می‌آورد که

ماسک آزادیخواهی و ضد امپریالیستی لیبرال‌های سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

در پی آمدن "بزرگترین ضربه" به امپریالیسم وواستگان داخلی آنها وادمی - آید .

سؤال ما از "حقیقت" این است که تجلیات این کودتا در کجا است؟ ترکیب هیئت حاکمه کنونی چه تغییرات اساسی نسبت به سابق بوجود آمده است؟ آیا تغییراتی است که در ساخت کنونی شورای انقلاب (هیئت حاکمه امروز) مهره ها همان مهره های سابق دولت و شورای انقلاب هستند . (بجز تغییرات جزئی و ناچیز) . مگر جز این است که بازرگان، مهره اصلی دولت سابق، از دست نخستی و زیر پرکنز آمده و "شورای انقلاب" منتقل می شود؟ مگر نه این است که "بزدی" این باور و امپریالیستها، بین از یک دوره فترت کوتاه مدت سوسله، اما منظمی می شود و بعنوان نماینده ما ما مورسیدگی به "شکایات" مردم می شود؟ مگر نه این است که "جبران" این عنصر فاشیست و عامل سرکوب خلق کرد، کماکان در پست خود باقی می ماند؟ بنا بر این تا ثیرات مادی این کودتا بر علیه بورژوازی و امپریالیستها، در ترکیب هیئت حاکمه در کجا است؟

همچنین تا ثیرات این کودتا در مجموعه سیاستهای هیئت حاکمه چه بوده است؟ چه ضرات اساسی بر سبک سرمایه داری وابسته ایران وارد آمده است و چه اقدامات عملی از جناح جناح کودتا کننده جهت مصادره ملک زمین داران بزرگ و... بعمل آمده است؟ مگر نه این است که حتی آن اقدامات مستکبران و انقلابی - ای که از جانب خود مردم در جهت مصادره اموال و مالک سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ بعمل می آید، (مثلا اشغال مساکن و مصادره زمینهای باس) توسط آیت الله خمینی "عسری" نامیده می شود و سوسله "شورای انقلاب" اطلاعیه های شدیداً میزما درمی بود؟ کدامک از ضرات مادی اساسی انحصار دی - نظامی... افتاد و لغو شده است؟ واقعتاً این است که حرکت اشغال سفارت سوسط خرده بورژوازی مرفه سستی و جناح بعدی آن، که حتی نمایانرا از دست این جناح میراث محدودی خارج کرد، چنان "حقیقت" را خیره کرده است و هیا - هوی بر ما سد سراسر آن جناح است این نیرو و سبک کل هیئت حاکمه، این رفتار را نیز دچار نوعی نموده است که کوبا براسی "انقلاب دومی" صورت گرفته است . "انقلابی بزرگتر از انقلاب اول" (نقل معنی از سخنان آیت الله خمینی) .

واقعتاً این است که "حقیقت" عملاً بدام آن توهماتی می افتد، که خرده - بورژوازی با حرکت چرخشی اخسروحود، در دهی نوده ها الفنا - نمود. توهماتی که سبک درک روبرو سستی می انداختند و این اعتماد را در می بیند که خرده بورژوازی مرفه سستی این را کودتا بر علیه بورژوازی و زانند آن از خود، انقلاب دومی را آغاز نمود، انقلابی که سدها را مصادره و اخسروحراف در مآز ره مردم و محمل خرده بورژوازی . در مبعیت و بحر رهبری خرده بورژوازی در قدرت، شروع بد حرکت نموده است . این همان درکی است که روبرو سستیهای خاص حزب ب، بوده سبک - صریح نیرو هم ما سد سستی آن را عرو لود می کنند و بدین ترتیب آن نظیر بر روی این جناح از ضرات انقلاب می رسد. درکی که "حقیقت" را بدام تاکنک های هیئت حاکمه فرو می اندازد و او را بدینسان "متروط" (در عمل غیر متروط) خرده بورژوازی مرفه سستی، یعنی بخشی از ضرات انقلاب کنونی و امیدارد .

و اما بعد، "حقیقت" می گوید:

"سمازی ار حواسه های اساسی مردم در مآز ره ما ز ره با امپریالیسم، که ۹ ماه سوسله دولت و شورای انقلاب "سازگار" رست کوش انداخته بود، دوباره بر سر پشتهای مردم آندو سبک ما فریا دگردند و این ضربه جدی بر سبکسر امپریالیسم و ارتجاع می یابد" . (همانجا)

"حقیقت" بیکره بر ما مبارزات پیشین نوده ها به حول حواسه های اساسی دیوکراتیک و ضرات امپریالیستی تا ن خط بطان می کشد و عملاً نقطه آغاز این مبارزات انقلابی و ضرات امپریالیستی و طرح حواسه های اساسی را در حرکت و چرخش جدید خرده بورژوازی و تا ثیرات سیاسی آن در جنبش نوده های خلاصه می کند. مبارزه ضرات امپریالیستی مردم، مبارزه ای است ملموس حول خواسته های اساسی ملموس، از قبیل استقلال، نان، ممکن، آزادی، حق تعیین سرنوشت و... این مبارزه از همان ابتدای پس از قیام، کماکان در اشکال مختلف ادامه یافت و اگر در مراحل اولیه، حواسه رستخف بخشیدن به آن از سوی رژیم بودند، در مراحل بعدی تحقق آن را سبک در مآز ره در مقابل جوشی به همین هیئت حاکمه جستجو می کردند .

در مناطقی چند دهگان علیرغم سرکوب رژیم، به مآز ره زمین ها دست یاریدند و خوازهای خود را برپا نمودند. و در سایر نقاط مبارزات وسیع و گسترده ای را بر علیه زمینداران بزرگ و بقایای فئودالیسم، آغاز کردند . کارگران، با سرمایه داران وابسته در اشکال مختلف به مبارزه برخاستند، بر علیه شوطنده های آنها به اقدامات عملی دست زدند، برای تحکیم ضرات مادی

دیوکراتیک خود منجمله شورا های مترقی و سندیکا های واقعی با سرمایه داران وابسته و نیز دولت به مقابل جوشی برداختند، ملی کردن واقعی موسسات را چه در اعصاب، تحصن ها و... چه در درخواست های خود از رژیم، طلب نمودند . خلقهای تحت ستم ملی، حادثترین مبارزه را بخاطر کسب خود مختاری و نابودی ستم طبقاتی زمین داران بزرگ، فئودالهای بازگشته و سرمایه داران وابسته آغاز کردند، و این مبارزه را تا حد مقاومت مسلحانه در برابر اقدامات سرکوب - گرانه رژیم ارتقا دادند .

اینها بودند خواستها و مبارزات عمیقاً دیوکراتیک و ضرات امپریالیستی نوده ها، که "ناکھاتی" بوجود آمده بود، نه در طی این ۹ ماه از مسیر خود منحرف شده بود. و در این دوره اخیر، در اثر دم مسیحا شی خرده بورژوازی، در "خط صحیح" خود قرار گرفته بود. این خواسته های ضرات امپریالیستی مردم نیستند که در طی این ۹ ماه از زبان مردم افتاده بود و امروز "ناکھان" بر سر پشتهای مردم آمده است؟ بلکه این درک "حقیقت" نسبت به خرده بورژوازی مرفه سستی است، که چنین تصویری را در ذهن اوالقا، میکند. درکی که چرخش اخیر خرده - بورژوازی را به مثابه دم مسیحا می که در مبارزات ضرات امپریالیستی مردم "می دم"

● "حقیقت" از ضرات "جدی" بر پیکر امپریالیسم، سرمایه داران وابسته و ملاکان و بورژوا فئودالها سخن می گوید و معتقد است که "امپریالیسم و وابستگان آن" در ایران "بزرگترین ضربه" را "نوش جان" کرده اند! باید پرسید که تبلورات عملی این ضرات "جدی" بر سبک سرمایه داری وابسته و عقب نشینی فئودالها در کجا است؟ اگر منظور مبارزه کارگران بخاطر ملی کردن موسسات امپریالیستی است، که این مبارزه ۹ ماه است ادامه دارد .

و خواسته های آنها را دوباره بر سر پشتهای می آورد، تلقی میکند. و بدین ترتیب نه تنها بر ما زرات پیشین مردم چشم فرو بسته و بطوریکه تا به نسبت به توهمات نوده ها به هیئت حاکمه و خمینی قضاوت میکند، بلکه خود نیز بدام همان توهمات خرده بورژوازی فرو می غلطد. نوده ها را در موضع اعتماد به این جناح از هیئت حاکمه و سبک کل آن، پایدار نمی سازد. "حقیقت" تمام حرکات جنبش نوده ها را در حرکت خرده بورژوازی مرفه سستی، خلاصه میکند و چرخش جدیدی را که این نیرو در موضع ضرات انقلاب و به سبب انفرادیست از پیش بدان دست یاریده است، نقطه آغازی برای چرخش انقلاب از انحراف به راه اصلی تکامل خود قلمداد می نماید :

"انقلاب ایران پس از یک سیرا ه ۹ ماهه، ... اکنون میتواند و باید راه مسیراطی اشکال خود را با زیاده باز یافته است" . (حقیقت ۲۷، تاکنک از ماست) .

عما ! پس در این ۹ ماه مسیراطی اشکال انقلاب ایران، که بدیده ما روز - روز راه رستخف و اشکال واقعی را می بسود، غلط بوده است؟ آیا جنگ مردم کرد - ستان بر علیه ارتجاع و ضرات انقلاب و مبارزه برای گرفتن خواسته های اساسی خود خلاف مسیراطی تکامل انقلاب ایران بود؟ نکنده که این جنگ نه ذاتی از جدت مبارزه طبقاتی و ملی در کردستان، بلکه محصول "شوطنده ها و بر قدرت" بوده است؟! در غیر این صورت، "حقیقت" مبارزه مردم را در طی این مدت چگونه ارزیابی میکند و اصولاً "مسیراطی تکامل" انقلاب اینطور چیست؟ باز پس گرفتن ما - خاش و تصرف "خا سوسخانه آمریکا" یا نابودی واقعی سبک سرمایه داری وابسته به ملی - ترین با یگا ه امپریالیسم در ایران و با شکوشتی به خواسته های واقعی زمینکار و خلقها ... ، کدامیک؟

واقعتاً این است که "حقیقت" از حرکات جدید خرده بورژوازی و خمینی چنان به وجود آمده است که سبک ما همه تکامل انقلاب ایران را با یک از یاد سبده است و حرکت این جناح از هیئت حاکمه را، عامل نجات جنبش انقلابی ایران از بسبود بیشتر مسیراطی و مبارزه به "جهت صحیح" می داند. چرا که او معتقد است این حرکات بیانگر جدا شدن خرده بورژوازی و "امام" از زور و امپریالیسم و مبارزه به خط فئولی خود یعنی خط ضرات امپریالیستی و انقلابی می باشد. بدین ترتیب این سؤال همچنان برای ما باقیست که چگونه سبک در اینست ما معتقد بود که :

"تا پور اختیار ما با امپریالیستهای آمریکا شی و از با یگا ه قدرت نیروهای مسلح نا هشتا هی و مهندس بازرگان، با حمایت خرده بورژوازی مرفه مسلط بر جنبش و از با یگا ه قدرت جنبش نوده ای وارد می آید که به مصالحه گردیده بودند" . (حقیقت ۲۶) .

و در حقیقت ۲۷ می گفت :

وجود داشت، اما زهان ابتدا روشن بود که "تهدید" بیشتر یک ژست سیاسی از سوی آمریکا بود تا ایران را وادار به نرمش و مصالحه سریعتر نماید. با وجود این هیئت حاکمه ایران با هاپسوی فراوان شروع به تبلیغ پیرامون این مسئله و جلب افکار عمومی مردم سبک امریکا ذب و غیرو افقی نمود. و تا زهد را این کار خود هم بیگیرن بود آنچه را که در حرفه آن دا دسخ داده بود. در عمل بدست فراموشی سپرد! ارتش بیست میلیونی، به افسانه شیرینی تبدیل گشت که فقط در تصویر تلویزیون و صدای رادیو می شد آن را سراغ کرد! در واقع هیئت حاکمه تلاش بر این بود تا از این سوژه، بعنوان وسیله ای برای انحراف افکار عمومی از مسائل و مشکلات داخلی و نارضایتی های روز افزون مردم از وضع موجود هیئت حاکمه، و گشتادن آن به سمت سوژه ای برجسته و کشش اما که ذب و غیرو افقی استفاده نماید. که البته چندان نا موفق هم نبود. نه تنها این موفقیت را در

● "حقیقت بدین ترتیب، نه تنها آلترا تیسو سازش میان دولت ایران با امپریالیسم آمریکا که محتمل ترین شق ممکنه است، از دیده فرومی اندازد بلکه در توضیح خطرات تهدید نظامی، گوی سبقت را از خود رژیم هم می رباید. و اظهار می دارد که تازه اگر رژیم هم قصد سازش با آمریکا را داشته باشد، آمریکا سرسازش نخواهد داشت! آمریکائی که از هزار طریق و راه درصدمه به سازش کشاندن رژیم کنونی ایران و خاتمه دادن به بحران کنونی است.

مورد مردم، تا حدودی بدست آورد، بلکه بسیاری از نیروهای دموکرات و کمو - نیست را نیز بدان سو گشتاند. موضوع را بیشتر توضیح می دهیم:

**اولاً:** با توجه به موقعیت جنینش توده ای و خصلت تهدید صدا امپریالیستی و رادیکال آن، حمله نظامی آمریکا، این جنبش را پیش از پیش رادیکالیزه نموده و سیاست و نیروهای انقلابی را در رهبری جنبش تقویت خواهد نمود. آمریکا بر این واقعیت خوبی آگاه است.

**ثانیاً:** دولت ایران، بجز فرمهای چند اقداماتی اساسی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم آمریکا، انجام نداده است. و دولت آمریکا موفقیت راه حل سازش با جنبش دولتی را بسیار بیشتر می بیند.

**ثالثاً:** ارتش ایران، ارتش مستحکمی نیست که امپریالیسم آمریکا بتواند با آن کار کند. بدخالت نظامی دست زند. مگر آنکه بخواهد فقط به نیروی اشغالگر خود متکی باشد که البته قفای و بیستما را زیادش نرفته است!

**رابعاً:** تناقضات درونی خود هیئت حاکمه آمریکا، بسیار بدتر از آن است که بتواند به جنبش اقدامی دست بزند. از سوی دیگر افکار عمومی آمریکا نیز، با توجه به تجربه بیستما ... مملأ علیه جنبش اقدامی است.

**خامساً:** درگیری در ایران، بیخصلت موقعیت استراتژیکی کشور ما موضع گیری و مقابله احتمالی شوروی را در بر دارد. و آمریکا نمی تواند در این موضوع بی توجه بماند.

همانطور که گفتیم سیاست تبلیغاتی رژیم حول تنها جنبش ملی آمریکا وسیع افکار عمومی ایران حول آن، بسیاری از نیروها را به دنباله روی از این سیاست تبلیغاتی و گادب گشتاند. شکی نیست با توجه به اینکه نیروهای انقلابی احتمال چنین حمله ای را از نظر دور نمی دارند می بایست از همین شرایط برای تبلیغات وسیع ذهنی توده ها و بالا بردن آگاهی های امپریالیستی آنسان استفاده می کردند. (کاری که ما نیز کردیم). اما در اینجا تفاوت است بین سیاست انقلابی و روبریونیستی. فرق است بین دنباله روی از رژیم در این مورد و داشتن یک ارزیابی و سیاست مستقل.

حزب توده، با تبلیغات فراوان، برای اولین بار، احتمال "دخالت نظامی آمریکا" را هشدار می دهد و در پی آن با پراکندن تزه های روبریونیستی و با سیفستی مرتجعانه خود تقویت "خط امام" را تبلیغ می کند و تضعیف این "خط" را کار دشمنان انقلاب می شمارد.

نیروهای دموکرات مذهبی نیز به دنبال همین شعارهای فریبنده رژیم بر راه می افتند و تشکیل "میلیشیا" می دهند. رژیم درخواست می کنند.

اتحادیه کمونیستها نیز به دنبال همین شعار رژیم بر راه می افتد. می گوید: "این را زکو کنند! این حقیقت است که دارنده های امپریالیستی حاکم بر آمریکا بزرگترین دشمنان مردم ما و انقلاب مردم ما بوده و اگر دشمنان امپریالیستی زبون و محافظ محافظه کار حاکم به مقصد سرکوب نیروهای انقلابی مردم ما با آمریکا سازش کنند و کنار بیایند، آمریکا سرسازش نداشته (چرا؟! ) و عاقبت هوای تهدید باط دیکتاتور فاشیستی سرا با وابسته خود را در دود را این راه حساب و کتاب نقشه می ریزد و توطئه بقیه در صفحه ۱۴

"فرمانهای اخیر آیت الله خمینی انقلاب ایران را جاداً به خطر انداخته است و... او محافظ نزدیک به او در درون روحانیت در سودای ... احیای محاکم شرع" است. در "حقیقت" ۳۹ قم را "مرکز توطئه" می دانست که "فرمان کشتار خلق دلاور کرد را زهان نجاشی" می شنود و در "حقیقت" ۳۸، خمینی را در تلاش برقراری "دوالخلافه استبدادی" می دانست. و در "حقیقت" ۳۸، به جناح خمینی حمله می کرد که "لبنه تیز حمله خود را متوجه درون انقلاب میسازد" و "بصورت یک جریان معینی از صف مردم جدا می شوند" و... اکنون معتقد است که این جناح با تمام خصوصیات فوق، صدا میربا نیست گشته است و نه تنها خود بلکه انقلاب ایران را به "مسیر اصلی تکامل خود" زده راه به "خط صحیح" آن سوق داده است!

"حقیقت" تمام این پیشینه را از یاد می برد و با یک چرخش قلم در مورد خمینی و جناحش می نویسد:

"نیروهای دیگری که حاصل تجزیه درون روحانیت را با تندیر عاقبت و نما - بندگی آیت الله خمینی این حرکت صدا میربا نیستی را تا شد کرد نیستند ولیکن خواسته های اصلی خود را استردادنا ه قرار دادند... ولی باید نا کید کنیم که این نیروها طمانه حرکت صدا میربا نیستی مردم بیشتر بیانی کرده و سران دمیده است... (حقیقت شماره ۴۷، تا کید از ما است).

واقعیاً این مواضع متناقض و متضاد در طی این مدت از شهرت و آسایش آنرا بدون حتی یک انتقاد کوچک به مواضع پیشین، چگونه می توان توضیح داد؟

## ۲- برخورد یکجانبه "حقیقت" به مسئله دخالت نظامی امپریالیسم

رفتن شاه به آمریکا، بنیال سیاست حاکم بر هیئت حاکمه آمریکا، که جناح - ها شی از "دموکرات" ها (جناح جرح بال) و بخشهایی از "جمهوری خواهان" (نظیر هاشمی) با این سیاست مخالف بودند، تعرضی نبود و دولت بازرگان و فشار به آن برای وابستگی هر چه بیشتر دولت و هیئت حاکمه بخود، سیاستی که از مدتها پیش از آن به اعتبار نشناختن سبقت حرکت روبرو وابستگی دولت بازرگان، از سوی آمریکا در پیش گرفته شده بود.

موضع دولت و شورای انقلاب در برابر این اقدام آمریکا، در ابتدا بسیار جالب بوده و همانی بود که آمریکا انتظار آن را می کشید، بهشتی خاش و بیزدی... درصدمه توضیح این اعمال برای مردم ایران برآمدند و تنها تصمیمی که گرفتند بیشتر در فرستادن یک "هیئت بزرگی" از جانب ایران بر سر لاین "مریفی" بود تا اینکه گفت کنند که آیا شاه "واقعیاً" مریفی است یا نه؟!

اما پس از این اقدام آمریکا، ملت ما بخروش درمی آید و خواهان استرداد شاه خاش و محکوم کردن عمل آمریکا می شود. و منتظران قهرمان جنوب، با روح این خواسته، خواهان قطع صدور نفت به آمریکا می شوند. این موج و نیز سایر شرایط و عواملی که در گذشته آنها اشاره کرده ایم، جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی را به همگی می ظاهری با جنبش صدا میربا نیستی توده ها، و بهره گیری از فشار آن ترغیب میکنند و با گرفتن حالت تعرضی در برابر سیاست های تعرضی - آمیز آمریکا، برنا ما اشغال جا سوخا نه آمریکا و گروگان گیری جا سوس ها را طرح - ریزی میکنند و پس بدان اقدام می ورزد.

این رویدادها، نه تنها بحران سیاسی میان ایران و آمریکا را شدت می بخشد؛ بلکه موجبات تهدید تنخا های بین جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا را نیز فراهم می سازد. و حتی تضاد در میان امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائی و بویژه ژاپن را شدت می بخشد.

امپریالیسم آمریکا پس از این گروگان گیری سعی در افزایش فشار اقتصادی - سیاسی بدولت ایران میکند. و در این رابطه حتی از تقویت و تحریک نیروهای مرتجع نظیر فئودالها در بلوچستان و عناصری از وابستگان داخلی خویش در میان محافظ نزدیک به قدرت حاکم (نظیر مقدم نه ای و...) نیز رویگردان نمی شود و می کوشد تا از این طریق هم سیاست اعمال فشار خویش را به پیش برد. قطع خرید نفت ایران از جانب کارتر نیز (بر خلاف ادعای هیئت حاکمه و خرده بورژوازی "صدا میربا نیستی"، اینکار عمل در این مورد با زهد در دست کار ترو امپریالیسم آمریکا بوده دولت ایران!)، بلوکه کردن دارائیهای ایران در بانکهای آمریکا و... عدم صدور برخی مواد اولیه به ایران، تهدید به محاصره اقتصادی و... در ادامه همین سیاستها صورت می گیرد. و سرانجام دولست آمریکا بطور تلویحی و بیجا طرح تحت فشار قرار دادن ایران، از امکان "اقدام نظامی آمریکا علیه ایران" سخن میگوید. هر چند چنین احتمالی کاملاً منتقسی نبود و احتمال بسیارضعیفی برای دست زدن به چنین اقدامی از جانب آمریکا





بقیه از صفحه ۲

مروری بر ...

شورای مرکزی "حزب" را با دیگر رهبران حزب و نیز برخی دیگر از سرمداران رژیم فزونی بخشید و سرانجام نیز او را وارد نمود که در آخرین دفاعی قبل از روزی گبری، با فاجحت تمام از محنته انتخابات کنار آمد.

درواقع حمایت ضمنی "حزب جمهوری اسلامی" از "حسن حبیبی"، این لیبرال "مهاجر" از یکسو و عدم حمایت آن از کاندیداتی عضو شورای مرکزی در انتخابات، میان نگرانی‌ها و شکست سیاسی با زهم بیشتر این نیرو در عرصه قدرت سیاسی کشور بود "حبیبی" که بطور مستقل کاندید شده بود در ظل حمایت

● دکتر آیت‌الله خمینی شورای مرکزی "حزب جمهوری اسلامی" (و عضو سابق حزب آمریکائی "زحمتکشان ملت ایران" برهبری بقائی) که در کشاکش برکناری "فارسی" و به پشتوانه حمایت "حزب جمهوری اسلامی" پس از کناره‌گیری "فارسی" در انتخابات شرکت بسته بود از این "حمایت" برخوردار نگردد و همچنان منزرد و بی‌پشت پناه باقی ماند!

روحانیت و "حزب جمهوری اسلامی" تا کجا ن از با شن- ترس سطوح بعدا لائوس مدار رقابت انتخاباتی بیرون کشد و در روز مره کاندیداهای طرازا اول، درکنار بنی مدرمی قرار گرفت.

روحانیت سرانجام این شایعات و با با ما نیها برکنار نماید و اتفاقاً در آن عرصه، تنها فهای درونی روحانیت نیز پیش از هر زمان دیگر عریان گردید. کس و نوسهائی که بر سر انتخاب یک کاندیدای "مطلوب" و مشترک در میان ستون اصلی روحانیت و استه نشد خمینی، یعنی "حاضر مدرسین" وجود آمد. بنا بر این واقعیت بود، "حاضر مدرسین" در ابتدا بدینی مدرن تا میل ندوازا و حمایت کرد. پس از مدتی اختلاف بر سر این کاندیدای لاکرنت و شکافی میان وابستگان "حزب جمهوری اسلامی" که "فارسی" را معرفی کرده بود و طرفداران بنی مدرن را "حاضر" بدیدارند. شکافی که از غلظت نظر آنها انعکاس "تا خوشبندی" در سطح جامعه داشت. از سوی دیگر قضیه "ایرانی الاصل" نبودن "فارسی" مسئله‌ای بود که بر سر راد حمایت "حاضر مدرسین" از این کاندیدای مانع ایجاد نمیکرد. سرانجام پس از گذشت وقوسهای فراوان و متوسل شدن به "امام" سر و ته قصه راهم آوردند و سر سر کاندیدای سومی به نواقف رسیدند و بدین ترتیب "حسن حبیبی" بعنوان چهره "مطلوب" جامعه مدرسین و "حزب جمهوری اسلامی" مورد حمایت ایشان قرار گرفت. حمایت این ستون اصلی روحانیت طرفدار خمینی از "حبیبی" موج وسیعی از حمایت روحانیون کشور را برانگیخت. اما در عین حال و علیرغم کوششهای فراوان رهبران روحانی، بخشهای بسیاری از جامعه روحانیت، از بنی مدرن و تعداد معدودی نیز از "مدنی" حمایت نمودند.

عرصه مبارزات انتخاباتی تنها فهای درونی روحانیت و میان جناحهای متفاوت و گراشته‌های مختلف را با زهم عمیق‌تر کرد و یکپارچگی و "وحدت کلمه" درونی این "شهدا" را به افسانه شیرینی تبدیل نمود.

نیروهای بورژوازی کشور (بورژوازی لیبرال و

کمپرادور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر "تیمای مدنی" این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند. نیروهای بورژوازی پشت سر "مدنی" عمدتاً از راست‌ترین و ارتجاعی‌ترین جناحهای بورژوازی که با وابسته‌ها میربا لیمم هستند تا میل - مدنی "چهره شایسته و کارنا مسه درختانی از جنابیت و خیانت در طی حکومتش در خوزستان به همراه دارد. سرکوب و کشتار خائنه خلق عرب، اعدام و سبندگشیدن مائزین خوزستانی، سرکوب جنبش کارگری در جنوب و حمایت از ارتجاعی-ترین و منفورترین نیروها و عناصر منطقه، جای هیچ گونه تردیدی در مورد "رتنا مه" آینه‌ها بن عثمانر مزدور و "منتی" مورد ادعای او باقی نمیگذارد. این بقول خودش "دست بردار امام" در این دوره کوشد تا با تکیه بر سزای مردم از هرج و مرجی که هم اکنون کرنا نگیرا مع شده است بسو استفاده از تمایل آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را تبلیغات فراوان و به آنها غالب کند. نظمی که تنها مانع را خترین جناحهای بورژوازی را در زیر چتر "منتی"

● نیروهای بورژوازی کشور ( بورژوا لیبرال و کمپرادور) نیز در صحنه مبارزه انتخاباتی بطور عمده در پشت سر تیمای مدنی - این بورژوا - فاشیست قدرت طلب - سنگر گرفته و بطور آشکار و نهان به تقویت و حمایت او پرداختند.

خود حفظ میکند. "مدنی" با تکیه بر همین عوامل فریبی سوانست، صرف نظر از اجماع و امتیاز یعنی سرما به- داران وابسته و لیبرال، جناح بزرگ بارانورمین - داران بزرگ، حمایت بخشهای وسیعی از افشار بر فخرده بورژوازی غیر مذهبی (کارمندان ادارات، تکنسین ها و...) را بخود جلب نماید و همین قدرت گیری، جناح دیکر بخصوص روحانیون وابسته به جناح آیت الله خمینی را که از همان ابتدا نمیتوانستند به چنین فردی اعتماد داشته باشند، به تنگا بواندا - خت آنها برای عقب راندن و منزوی کردن وی به شیوه‌های متعددی از جمله افشای ماهیت و عملکرد - های او در طی دوره زمامداری اش در خوزستان و نیز پیشینه‌هایش، دست زدند.

موج افشاکاری بر سر امون او، از سوی وابستگان این جریان بالا گرفت و "اسناد" و "مدارک" خائنه‌ها و جناحیتهای او یعنی فردی که در طی ۱۰ ماه "دست بر قدرت" همین رژیم در خوزستان و ارتش... بود، بر ملا گردید. بطوریکه حزب جمهوری اسلامی نیز رسماً این اسناد و مدارک را در روزنامه خود، درج نمود. و سرانجام نیز از سوی "دانشجویان خط امام" که در چنین شرایط حاسمی معمولاً به یاری روحانیت جناح معینی از هیئت حاکمه می‌تواند، ضربه قطعی به "ا" و "وارثه" مد، دانشجویان خط امام، پس از دو ماه استقرار در لانه جاسوسی، درست یک روز قبیل از انتخابات، اسناد و مدارک ارتباطات و سربره‌های "مدنی" را با سفارت آمریکا، فاش کردند و بدین ترتیب تا شیرات معینی در جبهه مبارزه انتخاباتی بزبان "مدنی" و در جهت کاهش نفوذ و اعتبار این مزدور خوش خط و خال، باقی گذاشتند.

صف آرائی نیروها با ورود مسعود رجوی به عرصه مبارزات انتخاباتی، چهره تازه‌ای بخود گرفت و

قطب جدیدی از نیروهای مترقی و دمکرات کشور، در برابر قطب ارتجاع و فساد انقلاب بوجود آمد. هیئت حاکمه که در ابتدا با دمکرات‌نمائی هیچ مانع قانونی بر سر راه کاندیداتی مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد، یعنی زمانیکه نیروی توده‌ای بزرگی در پشت سر این کاندیدای بیخ کرده‌ید، از سر وحشت و هراس بدینکجا بیاوشتا دوسرانجام با توسل به "رای امام" و "حق قانونی" ولایت فقیه" این کاندیدای را از سر راه خود برداشت.

بخش اعظم نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، با صف آرائی در پشت مسعود رجوی، در انتخابات شرکت حسند. این شرکت خطرناکنا درست و یک تاکتیک نا صحیح بود و سر و اقتضای نیز بر عدم محتایسن تا کتیک گواهی داد. تمام دلایلی که نیروهای شرکت کننده (بطور عمده مجاهدین و رفقای فدائی) در این انتخابات بدان توسل جستند، نمیتوانست جنبش ترکی را توجیه نماید.

مهمترین دلایلی که این نیروها برای شرکت خود در انتخابات ریاست جمهوری ارائه دادند ایجاد یک صف مستقل و مترقی و یک قطب انقلاب - ضدا میربا لیمبی - و مدارتجاعی در برابر مسعود و نیروهای ارتجاعی و فساد انقلابی بود. مجاهدین ضرورت ایجاد یک "ثقل انقلابی" در عرصه مبارزات انتخاباتی "به زبان" میربا لیمت ها و با بگا همای امروز فردایشان "را به عنوان مهمترین دلیل این شرکت خود ارائه دادند (بقول قولها از سر مقاله مجاهد شماره ۱۸). رفقای فدائی نیز دلایل شرکت خود را چنین بیان کردند: "مانده با مبدع پیروزی

● مدنی در این دوره کوشید تا با تکیه بر بیزاری مردم از هرج و مرجی که هم اکنون گریبانگیر جامعه شده است، بسو استفاده از تمایلی آنها به ایجاد یک نظم انقلابی، "نظم" ارتجاعی و فاشیستی مورد نظر خود را با تبلیغات فراوان و به آنها غالب کند. نظمی که تنها مانع را بست ترین جناحهای بورژوازی را در زیر چتر "منتی" خود حفظ می‌کند.

کاندیدای مورد پشتیبانی خود بلکه با تکیه بر افشای کاندیدای فدکازگری، با استفاده از سنگبری این صف ترفیخواه و رادیکال، با تکیه بر بالا بردن آگاهی توده‌ها در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه میربا لیمم و سرما به داری وابسته و با تکیه بر ضرورت تا مین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده‌ها، در انتخابات شرکت مینماید و بر همین مناسبت مسعود رجوی کاندیدای سازمان مجاهدین خلق ایران پشتیبانی می‌نماید. (کار شماره ۴۲).

اگر از استدلالات دیگر که خود جای حرف دارد، بگذریم مهمترین دلیل این شرکت، بخصوص با توجه بسا بر مقالات این سازمان در باره انتخابات ریاست جمهوری، حول ایجاد یک قطب ضدا میربا لیمبی - ضدا ارتجاعی و مترقی در برابر ارتجاع و میربا لیمم دور می‌زند. شکی نیست که ایجاد چنین قطبی در جامعه، بخصوص در شرایط امروزین ما، بسیار شکیو - مطلوب است و بجزارت میتوان گفت که به یکسی از ضروریات مبارزه طبقاتی و انقلابی در جامعه تبدیل گشته است. لیکن حرکت نا درست از آنجا آغاز می‌شود که میخواهد این قطب و بلیوک انقلابی و مترقی را بر

زمینه‌ای کف قدرت سیاسی حاکم گسترده است، بوجود  
سازد. زمینه‌ای که امکان آفرینی این هندت  
مصلحتی در آن وجود ندارد. زمینه‌ای که ذات و غنای  
واضعی که در اساس با هدف مورد نظر در رضا قرار می  
گیرد.

تمرکز کردن و تقویت طبقات انقلابی و رادیکال  
جامعه، در حقیقت زمینه‌ساز رستنی آنی که رژیم کشود  
است. زیرا، حتی ثبوت رژیم و تثبوت هم‌بای

هیئت حاکمه که در ابتدا با دموکرات نظامی  
هیچ مانع قانونی بر سر راه کاندید شدن  
مسعود رجوی ایجاد نکرد، در مراحل بعد  
یعنی زمانیکه نیروی توده‌های بزرگی در پشت سر  
این کاندید ایستاد، سرانجام توده‌ها را سر و حشمت و شراس  
به تکلیف افتاد و سرانجام با توسل به "زاد امام"  
و حق "قانونی" ولایت فقیه، این کاندید را از  
سر راه خود برداشت.

قانونی و فراخواندن توده‌ها بگردش و هم‌بای  
، از لحاظ تاریخی و در سیمای این توده‌ها نباید  
این توده‌ها را در آن درگاه می‌توان بر مبنای انتخاب  
ارکانی از اجرائی یک رژیم بیوزاری یک محور  
انقلابی بوجود آورد و با احسان سرحتمین زمینه‌ای  
مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم را به پیش برد و  
یک سر تا به انقلابی جامعه عمل پویا شد. پس  
خواندن نظام نیروهای انقلابی و توده‌های مردم  
بناظر "بازوری" انقلابی یک جنبش انتخابی بیوزور  
شی ای یعنی استبداد است که می‌توان در آن توسل  
منجوبند، یک تاکتیک درستی و تبلیغ شده‌های  
رفرمیستی است. مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع  
را می‌توان در حقیقت مبارزه انتخابی پیش برد  
منحده اصلی جنبش مبارزه‌ای آن عرصه‌ها شی است که  
توده‌ها مبارزه واقعی و اصل خویش را به پیش  
می‌برند. نقش "فعال کردن" توده‌ها نمی‌تواند مطلق  
جنبش شرکتی باشد. باید دید که این "فعال کردن" در  
جهت زمینه "جوشیده‌ای و بناظر حده‌های صورت می

گردد، بیوزوری سزخواهان "فعال کردن" توده‌ها  
در عرصه مبارزه سیاسی است. اما تلاش او در اینست  
که توده‌ها را در عرصه‌های دلخواهش که همواره در برابر  
توده‌ها می‌گستراند، "فعال" نماید. یعنی در عرصه  
های رفرمیستی، تا بدستوسیله از استکبار عمل انقلابی  
توده‌ها که بطور قطع تا بی هرگونه راه حل رفرمیستی  
است، جلوگیری، بیوزوری میخواهد که توده‌ها در  
انتخابات این یا آن فرد دلخواه بیوزوری، "آزاد"  
با شد و به هر قطبی بگرایند، چرا که او فقط به قطب  
هایی اجازه شکل گیری و عین انجام میدهد که تمامیت  
او را مورد سپیدی قرار دهند. انتخابات اخیر نیز  
بدون کم و کاست چنین حقیقتی را به اثبات رساند.  
هیئت حاکمه در آن لحظه که خطر شکل گیری چنین قطبی  
را در عرصه انتخابات احساس نمود، بدون شک لحظه  
درنگ وارد عمل شد و با توسل به شیوه‌های "قانونی"  
و "بسیار فقیه"، از ایجاد جنبش قطبی جلوگیری نمود و  
نیروهای حرکت کننده را خلع سلاح کرد. "ولایت  
فقیه" در آخرین لحظات وارد صحنه شد و در میان بهت و  
حیرت نیروهایی که بعد از رسیدن آیت الله خمینی در  
برابر واقعیت مبارزه طبقاتی تسلیم شد و سزای  
نخستین را پذیرفتند، که "ولایت فقیه" در برابر آزاده  
مردم قرار دارد. "ایرمان‌لنگار (۴۲)" قانون خود  
را جاری کرد و برای چندمین بار نشان داد که  
"تشریح" می‌تواند به عنوان استبداد استبداد "تجدد و انقیاد"  
آما شود. (مقتول از هم‌مذکار ۲۵).

ناری ایجاد چنین قطبی را می‌توانست  
مسیر او تنها پذیرد و به معنای واقعی خود را باز  
که در عرصه واقعی مبارزه طبقاتی و در استکبار  
ارائه بر نامه سیاسی نیروهای مترقی و تبلیغ و  
سروج آن در میان توده‌ها و از نظر تاکتیک بر محور  
تحریم و عدم شرکت در چنین انتخاباتی شکل می  
گرفت. عدم شرکت یکبارچه نیروهای مترقی و انقلابی  
که در عین حال توده عظیمی را هم بدستال خود می  
گنجانند، نه تنها امپریالیسم و ارتجاع و نیروهای سد  
راه انقلاب را متفرد و منزوی می‌کند، بلکه امکان  
واقعی شکل گیری یک زمینه مشترک دستور کرد و  
دن تمامی نیروهای جنبه انقلاب، حول یک برنامه

انقلابی را فراهم می‌نماید.  
بعلاوه اینکه توده‌ها را نیز از دل بستن به شیوه  
های رفرمیستی در تحقق خواسته‌های انقلابی خود  
باز می‌داشت و عرصه‌های واقعی مبارزه طبقاتی و  
انقلابی را به آنها نشان میداد.

بهر صورت اکنون مبارزه انتخاباتی بی پایان  
رسیده است و همانطور که ما قبلاً نیز پیش بینی کرده  
بودیم (پیکار ۲۸) بنی مدیر توده‌ها هستند، اما رئیس  
جمهور هر که میخواهد باشد، چرا که اکثریتین کننده

● "ولایت فقیه" در آخرین لحظات وارد صحنه شد  
و در میان بهت و حیرت نیروهایی که معتقد  
بودند "آیت الله خمینی در برابر واقعیت  
مبارزه طبقاتی تسلیم شد و برای نخستین بار  
پذیرفت که "ولایت فقیه" در برابر آزاده مردم  
قرار دارد." (سرمقاله کار ۴۲) قانون خود  
را جاری کرد.

... ای در وضعیت نامساوان رژیم باقی نخواهد  
گذشت. روزی واقع سیاسی جامعه، از آن خواهد  
داد که رئیس جمهور آینده، "نظم" و "امنیت" مطسوب  
خود را که تقریباً مورد تاکید تمامی توده‌های  
انتخاباتی است، برقرار سازد. نه سزای جنبش  
انقلابی توده‌ها، و نه موقعیت بهم‌بافت قدرت  
سیاسی و تا همگوشی‌های فرا بنده درونی آن، چنین  
چشم اندازی را بر سر نمی‌گذارد. آنچه که می‌تواند  
است که نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، بتوانند  
با اتخاذ یک تاکتیک صحیح و متناسب با وضعیت  
کنونی، با گوش در صدر رف بر اکنکدنکی خود و فراهم  
کردن زمینه‌های یک قطب انقلابی در جامعه و به  
کردن آوردن توده‌های وسیع مردم، بگردانند قطب  
انقلابی، جامعه را از گرداب هرج و مرج و نامساوانی  
و از خطر فرو افتادن به دامان یک "نظم" ارتجاعی و ضد  
انقلابی (آنطور که مثال تیمار "مدنی" در نظر  
دارد). راه بنده و سست استقراریک "نظم انقلابی  
سوق دهد. آری، چنین چشم اندازی به جهت تمامی  
نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست نسکی دارد. ■

### یاد مجاهد شهید مرتضی صمدیه لباف گرامی باد

صبحگاه سوم بهمن ماه ۵۵، مجاهد شهید، رزمنده  
دقیق و مقاوم: مرتضی صمدیه لباف، همراه با تنه  
چند از هم‌زمانی، پس از ماهها تحمل شکنجه در  
زندان تا به هوجوه اعدام مسیره شد و خون پاکش در راه  
آرمان دموکراسی - ضد امپریالیستی توده‌های  
تمدیده ایران بر زمین ریخت.  
مرتضی، مجاهدی قهرمان بود که چندین سال  
در شرایط سخت سالهای ۵۵ با رژیم وابسته امیر -  
بالیسم شاهش در درون سازمان مجاهدین خلق

ایران، به مبارزه انقلابی و آشتی ناپذیر خود ادامه  
داد. کینه عمیق او بدشمن خلق و عنق آنتیسن او  
به توده‌های ستمدیده و ستمناز انقلابی اش در اوجاری  
قابل تحسین بوجود آورده بود، او در چندین عمل  
نظامی که در آنروزها علیه دشمنان خلق از سوی  
با زمان مجاهدین خلق انجام می‌شد شرکت داشت.  
در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین و  
تغییر ایدئولوژی بخشی از اعضای سازمان که  
سنگیری پرولتری داشت ولی از نظر رهبری شدیداً

آغشته به گرایش‌های انحرافی ضد پروتسکیستی و  
سکنا رستنی بود، مجاهد شهید مرتضی همانند مجاهد  
شهید شریف واقفی در معرض توطئه‌های ضد انقلابی قرار  
گرفت. مرتضی در نتیجه این اقدامات انحرافی  
که با رها با تحلیل علل آن از جانب ما محکوم شده  
است - مجروح شد و بعداً سارت رژیم درآمد. ولی  
غلیظت شکنجه‌های سخت سال ۵۵ که در نوع خود کیم  
نظیر بود، در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم  
آمریکا و رژیم وابسته بدان، تا آخرین نفس دلیرانه  
مقاومت نمود. این موضعگیری، برای کلیه نیرو  
های انقلابی متواند درس باشد. با داین مجاهد  
خلق از خطره‌ها فراموش نخواهد شد ■

### گرامی باد خاطره رفقای شهید

سوم بهمن ماه امسال سالگرد شهادت رفقا  
منیزه اشرف زاده کرماتی، محمد طاهر رحیمی و  
محسن بطحایی است. چهار سال پیش در این تاریخ  
شاه جلال و سرسپرده آمریکا، این رفقا را همراه  
۴ رزمنده دیگر بوجوه اعدام سپرد. یادشنان  
گرامی باد. (یادنامه این رفقای شهید را در  
شماره‌های بعد می‌خوانید.)

### دستگیری يك مبارز حرفه‌ای

مبارز با سابقه، رفیق محمد یزدان بنی بدستی  
است که بدون هیچ دلیل دستگیر گردیده است و  
اکنون در زندان‌های رژیم بر سر می‌برد.  
رژیم، ساواکی‌ها و امرای سرسپرده مزدور ارتش  
را آزادی‌گزار، شورشی‌های رژیم‌شاهنشاهی

نظیر احسان نراقی را با وساطت آقای بنی مدردوست  
دیرین وی آزادی کند، اما مبارزینی چون  
یزدان بنی را در بند نگه میدارد. ما خواستار آزادی  
فوری او هستیم.  
دستگیری این مبارز توسط (گروه) اتحاد  
مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر مورخه ۱۰/۱۵/۵۸  
اعلام شده است.





بقیه از صفحه ۲

جنگ قدرت ...

بخواست خود آقای مدنی صورت گرفته است، ظاهراً بزعم ایشان خواست آقای مدنی واجب‌الاجرا تر از خواست میلیون‌ها ایرانی است که خواهان افشای کلیه اسناد و مدارک رژیم گذشته اند!

دانشجویان خط امام حتی بخاطر "رفع اتهام" از برخی عناصر آمریکا شی حزب جمهوری اسلامی، این حزب رسوا، از قول یکی از اجاسوسان سیا (لینکن) نقل میکنند که "روزنامه جمهوری اسلامی دشمن دیرینه آمریکا است!" گوئی مردم ایران این حزب خلق الساعه و گردانندگانش را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که این "دشمن دیرینه آمریکا" در واقع کمتر از یکسال است که موجودیت یافته است! لابد وقتی گردانندگان بنا بر ویفروش این حزب در سرمقاله مورخ ۵۸/۱۱/۲۳ ارگان خود از دانشجویان بیرو خط امامی خواهند که مدارک و اسناد مربوط به حزب جمهوری اسلامی (الستنفذت مربوط به این حزب) را افشا کنند، این قبیل اسناد دروغین را در نظر دارند! بهر حال آنچه که در این میان اهمیت دارد اینست که بطور روزافزونی ماهیت واقعی عوام مغربیان و خائنینی که به اعتبار توهم‌توده‌ها بر مقدرات کشور حاکم شده‌اند، سرلا میشود. توده‌ها اکنون بتدریج به صحت داورى کمونیست‌ها ایمان آورده و درمی‌یابند که آنها که قدرت سیاسی را در دست دارند، بسیار ناتوان‌تر و درست‌تر بکوشیم قدری ترا آندند که ایستادگی حتی بخشی از خواسته‌های اساسی زمینگان باشد. آنها درمی‌یابند که این کمونیست‌ها بودند که از همان آغاز، امیران نظام‌ها، مدنی‌ها، بارکان‌ها و غیره را برپا داشتند، بهشتی‌ها و جرم‌ان‌ها را برپا کردند و آنها را میکردند و آبی اس‌خائنینکاران را راحت نمی‌کذاشتند. می‌بینند که این کمونیست‌ها هستند که مزدوران امیران را در هر لباسی که باشند بخواهی شمشیر دهنوی کمترین تردید در مقابل نموده‌ها بر سواستان می‌کنند. آری تنها و تنها تسخیر افشارگری کمونیست‌هاست که همواره در برابر

بقیه از صفحه ۲

عوامل هیئت ...

خود سرسند، گذشته از این، کار آنها بتوسی رفت و آمد افسر مدکوروبی‌اندازان را در محیط کارخانه رسمیت می‌داد.

سرا نجام مدراس روز تمهیم گرفته می‌شود که شورائی موقت برای چند روز تشکیل شود تا به کارها رسیدگی کند و در همین مدت کارگران نمایندگان واقعی خود را انتخاب کرده و شورای دائمی و واقعی، بنا را بر وجود آورند.

منافقان هیئت توطنه‌های عوامل کارفرما، انتخاب نماینده‌ها به سراسر با تعداد کارگران در هر قسمت بلکه بر اساس قدیم و جدید بودن آنها انجام می‌گیرد، به این ترتیب تعداد نماینده‌های کارگران جدید (که از نظر تعداد خیلی بیشتر از کارگران قدیم هستند) با تعداد نمایندگان کارگران قدیم برابر می‌شود.

این کار دست کم این اشکال را داشت که! ز نقش کارگران جدید (که خواسته‌های مترقی‌تر و آگاه‌تری نسبت به کارگران قدیم دارند) در شورائی بی‌کاست. بهر حال شورای موقت با ترکیب ۲ نماینده

بقیه از صفحه ۹

آمریکا زیر ...

مستعمره آمریکا نقش فعالی در دعوت به این گروه‌ها آشی بعهده دارد، قضیه دخالت نظامی شوروی مسئله روز است و مکان انعقاد کنفرانس شهر "اسلام" آباد پاکستان و هدف، حمایت از اسلام و مسلمانان در مقابل کمونیسم! و مقابله با شوروی.

از نظر خلق‌های مستعبد و مبارز منطقه که در ایران و دیگر کشورها، خشم انقلابی خود را علیه امپریالیسم آمریکا نشان داده بر بیگانه و سرمایه‌داری وابسته ضربات دردناکی وارد کرده‌اند، بدون شک دخالت نظامی در افغانستان ونا دیده گرفتن حق تعیین سرنوشت خلق‌های این کشور، محکوم است، اما تقویت نیروهای ارتجاعی این کشور، آموزش دهها هزارتن مزدور در پاکستان و بی‌تحرکات مداوم علیه نیروهای مترقی افغانستان و انواع کمک به نیروهای ارتجاعی این کشور بوسیله ایران نیز محکوم میباشد. مردم ایران فراموش نمیکنند که حکام جدید ایران از ابتدای بقدرت رسیدن تا امروز چگونه در اینجا در ارتباط و پیوند با مرتجعترین نیروهای دست راستی مذهبی منطقه تلاش کرده‌اند. آنها از حزب "الدعوه" عراقی، حزب التحریر و "اسل" لبنان و حزب جماعت العلماء پاکستان و اخوان المسلمین افغانستان و... دعوت بعمل آورده و با آنان علیه جنبش مترقیانه خلق‌های منطقه (حتی علیه خلق فلسطین) توطئه‌ها چیده‌اند.

کنفرانس اسلامی پاکستان تلاشی است از سوی آمریکا و دستیار سعودی و هم‌اندازی با کستان و بیادوشی و سرخارجه ایران، قطب زاده. این گرد هم آشی که از سوی کشورهای عربی مخالف با سادات سپاه به همراه بودن تشکیل کنفرانس با روز عادی شدن روابط بین مصر و اسرائیل به عقب‌انداخته شد.

هم‌اکنون فرار است با تلاش ارجاع، سنها بکروند و بترتیبی در ششم بهمن ما دستگیر شد. موضع وزارت خارجه ایران و همدستی آنکار با آمریکا خنجر است که این بار از روسیه و هند از پشت، ما ندا غلب سنا شهنای رژیم جمهوری اسلامی - نه سینه زخم‌کنان ایران که عمیقاً صدا میریایست و مدارج میبایست، زده میشود. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران با مشارکت خود در این کنفرانس، ایران بعد از قیام بهمن ماه را، رسماً به جرگه دوستان و هم‌پیمانان

از کارگران جدید و نیز ۲ نماینده از کارگران قدیم تشکیل شد.

پس از دوروز تعطیلی هنگامیکه روز غنیمه ۵۸/۱۰/۲۹ اعمای شورای موقت برای شروع کارشان به کارخانه می‌روند اما نمائند اعضای شورای سابق روبرو شده و از طرف عده‌ای از کارگران قدیمی که تحریک شده بودند، کتک می‌خورند.

آزاد روز هم‌چنین "یکائی" و "پا سدا را نش با نقشه قبلی به کارخانه می‌ریزند و ضمن محروب کردن یکی از کارگران، نمایندگان شورای موقت و چند کارگر مبارزان نیز دستگیر و به کمیته می‌برند. در آنجا پس از امتحان با زجوشی و گرفتن تعهد، بغیر از یک نفر که اینک در زندان به سر می‌برد، بقیه را بطرز مشکوکی آزاد کرده و از آنان می‌خواهند که روز بعد به کمیته مدکور سرزنشند.

این اولین بار و آخرین بار نیست که عناصر مزدوری چون "یکائی" مبارزات کارگران را سرکوب

آمریکا درمی‌آورد و در کناره‌های روسیه، پاکستان، مالزی و سومالی وسادات خائنین قرار میگیرد.

توده‌های مستعبد و بی‌گناه سنا کشور و ما کلیه نیروهای مترقی و کمونیست‌های ایران، امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی خلق‌های ایران میدانند و با زگرداندن ایران به گردونه آمریکا را تحت هر لوا و سرپوشی که باشد خدایا نشی بزرگ تلقی مینمایند ما علیه سوسال امپریالیسم شوروی مبارزه میکنیم ولی هرگز اجازه نخواهیم داد که قدرت ارتجاعی حاکم بر ایران زیر لوای مبارزه با نفوذ راجسی و سلطه سوروی، اذنان توده‌ها را از مبارزه بر علیه آمریکا منحرف سازد. خلق‌های ماهیما لکی‌های سادات و ضیة الحق و ملک خالدرابزه را له‌دان تا تاریخ خواهند افکند و "پیمان اسلامی" سرگردگی آمریکا را مانند کلیه پیمان‌های مشابهش: سنتور... نابود خواهند ساخت.

● امپریالیست‌ها، اکنون پس از تجربه ایران و مطالعات مدت‌گسترده‌ای که در قبال نقش مذهب در ایران و دیگر جاهای منطقه بعمل آورده‌اند، به این نتیجه می‌رسند که باید زیر پرچم "الله" رفت!

در پایان با این نکته‌ها باید اشاره کرد که برخی از نیروهای مخالف تشکیل این کنفرانس، دچار این توهم اند - توهمی که انکسار موضع طبقاتی آنهاست - که گویا یک بلوک بندی اسلامی متشکل از با اصطلاح کشورهای مسلمان میتواند وجود آید. اما این خیالی است قدیمی از دوران سید جمال الدین اسدآبادی که در فکر متحد کردن سراسر ایدین شاه و خلیفه عثمانی زیر عنوان اتحاد اسلام بود. بلوک بندی کشورها بر اساس مذهب نه تنها نقش مترقیانه‌ای نخواهد داشت بلکه، صلاً عملی هم نیست.

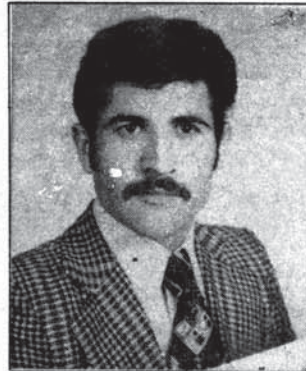
روشنای مذهبی جریان‌ها تا ریختن حتی اگر به صورت جنگ‌های چندساله درآید جزئی از مبارزات طبقاتی نیست همان‌طور که جنگ‌های ۴۰ ساله آلمان بین پروتستانها و کاتولیکها و یا جنگ شیعه و سنی در آستانه تشکیل دولت مطوبه جز مبارزه طبقاتی نبود. در اینجا به همین اشاره بکنده کرده، بحث آنرا به فرصتی دیگر موقوف می‌کنیم. ۱۳۵۸/۱۱/۶

می‌کنند، در همین چندماه پس از قیام و در جمهوری اسلامی، بارها و بارها مبارزات و اعتراضات کارگران بخون کشیده شد و با زهم خواهد شد. در این میان کارگران امکان می‌یابند که دوستان و دشمنان واقعی خود را بهتر بشناسند. کارگران کارخانه قرق‌قره زینیا در همین دوسه روز بسیاری چیزها آموختند، آنها در عمل مشاهده کردند که تیرین زبان‌های عوامل کار - فرما و هیئت حاکمه جز برای فریب آنها نیست، با سخ همه آنها وقتی که نتوانند با فریب مبارزات کارگران را بهین بست بیکشانند، تنها سرکوب است، سرکوب!



طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه‌داران سلاخی بهتر از ما تدهی و تشکیلات نداشت.

### گرامی باد خاطره رفیق شهید جواد چایچی عطری (جمشید)



اول بهمن ماه ۵۸ مصادف است با دومین سالگرد اسارت رفیق شهید جواد چایچی (جمشید)، فرزندی فهیمانی که برای رها نشی زحمتکشان در بیستگاه خلقی بنامان بسنده بود که تا آخرین نفس صمیمانه و آتشی - نا پذیر در این راه خونین بای فرود .

در آن زمان که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ، بشده های اهریمنی خود را در لطمه هر آزادیخواهی فریونی بزده و اسارت و شکنجه و قتل و ترور خلق و انقلاب - بنون از جناح غامدی و روزمره رژیم سفاک و ضد خلقی پهلوی شدد بود ، تا امپریالیسم و سرما بهای وابسته بدان بنوا سنده هر چه مسترخون زحمتکشان میهن ما را شکنند و جنش های حق طلبانه زحمتکشان یکی بین از دیگری در معرض سرکوب و حسیانه فراری گرفت ، در آن زمان که بسیاری از بختور رسیدگان امروز در لادهای خود به "تقیه" بنسب آینه های بناس برای کوبده می خوانند ،

آری در آن زمان ، بسیار بودند انقلابیون و رزمندگان راستینی که برای دگرگونی این نظام و قطع سلطه امپریالیسم و سرما به داری وابسته بنیا خاشاک بودند تا بناس بنسب خلق و همراه با انسان طومار حیات تنکین و ضد مردمی رژیم را در هم نوردیده آسرا خفاک بسیارند .

رفیق جواد چایچی (جمشید) یکی از این دلوران بود که معتقد بود برای نجات توده های زحمتکش خرمایه ای امان و آتشی نا پذیر هیچ گونه راهی نداشت تا امپریالیسم و سرما به داری را نای نمیشوایند و خود را شته باشد ، و بر همین اساس بود که تمام توان

"برحمات ترگرین ما به و حمت استعما رگران و فرما سربانان استگنمی توان طوبیت را گرفت و برجمی و الا نسراری کارگران ! پس بازوایم ، خواهی دید ، شاد و نا شاد ، چر - کجا که ما نی در این مبارزه ، که با بان نخواهد گرفت ، جریا بیروزی ما ، در شهرهای جهان ، در شهرهای کارگران .

(برتولت برنت)

سخن از رفیق شهیدی است که آگاهی انقلابی را در غوش مادی ما را زود پر کنار سربارانی افتخار - آفرین چون احمد و رضا و مهدی رضائی آموخت ، کینه مقدس علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را در اعناق وجود خویش حس کرد و زندگی خود را همچون آن با عشق به خلق عین ساخت .

رفیق شهید مدتی در راهی پس از سال ۵۵ بسنه سازمان مجاهدین خلق ایران پیوست و با صداقت ، هوشمندی و ذکاوت و زیرکی خویش از رژیم آوران فعال و دینار انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما گشت . در آن روزهای سخت که شها جدمد منشا نسه ساواک ، حتی اندیشیدن بعمل انقلابی را برای بسیاری از مخالفان رژیم امری دشوار ساخته بود ، او به وظایف خطیر ناک انقلابی خود عا شفا نه عمل میکرد و چشم از خطرات و خورشید آزادی ستمدگان جا مسمه ما داشت ، شها دت برادران ، زندانی شدن خانواده ، ضربات و زجر بهرسان ، و شهادت بسیاری از همزمان را با شکیبائی و با امید فراوان به پیروزی حتمی خلق ، تحمل کرد و در راه تحقق آرمان انقلاب ، خود و

و شیرو خود را در راه شهمرساندن اهداف انقلابی خود به کار گرفت و سرانجام با بنا رجان خود به رسالت انسانی و انقلابی خود پاسخ مثبت داد .

در صبح هجدهم آذرماه انقلابی سالهای ۵۲ - ۵۱ ، رفیق جمشید با سازمان مجاهدین خلق ایران آشنا شد و بدین پیوست و در جها رجوب ایدئولوژی مبارزه - جویانه اسلامی مجاهدین به مبارزه با رژیم پرداخت ، و بعدها همزمان با تغییر ایدئولوژی بخشی از سازمان مارکسیسم - لنینیسم این تنها ایدئولوژی طبقه کارگر را پذیرفت و از آن بسعد در بخش منشعب از این سازمان به فعالیت انقلابی خویش ادامه داد . رفیق معتقد بود تنها ایدئولوژی ای که میتواند منافع طبقه کارگر و سوده های زحمتکش را نمایندگی کرده و در راه ، نامین این منافع هیچ تزلزل و سازشی بخود

### گرامی باد خاطره رفیق شهید صدیقه رضایی

سازمان خویش و در راه دستیابی به عالی ترین اندیشه و سربانان انقلابی که تقصیر کننده نهائی و جنمی آزادی زحمتکشان و کارگران با شدلحظه ای درنگ نکرد .

رفیق صدیقه ، طی چند سال فعالیت انقلابی خود ، وظایف خطیر و موفقیت آمیز فراوانی را انجام داد . هشیاری ، استکرا عمل و تحرک تحسین آمیز او در خاطر همزمانی که او را از نزدیک می شناختند همواره باقی است ، آنها نقش اصلی رفیق صدیقه را در فرار معروف رژیمنده مقاومت اشرف دهقانی از زندان در سال ۵۲ بنحویر جسته ای یاد میکنند . در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین در سالهای ۵۴ - ۵۳ که منجر به تغییر ایدئولوژی بسیاری از رفقای همزمان گردید ، رفیق صدیقه اندیشه طفره نمون پرولتاریا یعنی مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان ایدئولوژی خویش برگزید . رفیق صدیقه در بهمن ماه ۱۳۵۴ زمانیکه بیش از ۲۰ بها و از عمر برپا ریش می گذشت در جین انجام یک ما موریت انقلابی در محارمه ما مورین جلاد ساواک گرفتار آمد . و در زیر شکنجه بشها دت رسید ، خاطر اش گرامی باد ■

راه ندهد ، همانا ایدئولوژی مارکسیستی لنینیستی می باشد ، پذیرش این ایدئولوژی ، برای او آنگاه اهمیت ویژه و مفا عفی بخود میگرفت که مخصوصا و پس از یک دوره مبارزه انقلابی در زیر لوای ایدئولوژی اسلامی مجاهدین و کوشش در راه انطباع دادن آن با بدیده ها و فانومنندیهای اجتماعی به حقا نیست و درستی ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم دست یافتنی و آرتنها سلاح علمی و برادر مبارزه ضد امپریالیستی در مبارزه طبقاتی و در راه قطع استثمار و بهره کشی میدانست .

آری او بر این باور بود که قهرمانان نه در این راه با شور و علاقه هر چه بیشتر فعالیت کرده و از ایدو آرمان خود دفاع میکنند و سرانجام در راه پیروزی زحمتکشان و رها نشی آنان از ستم امپریالیسم و سوریوازی وابسته ، بشها دت رسید ، یادش گرامی باد . رفیق شهید جمشید ، در بخش ارتباطات سازمان مشغول فعالیت و رابط سازمان (بخش داخل) و بخش خارج کشور آن بود . در آن زمان که ارسال سندا رگ (اخبار و مسائل جنش ، مدارک درون سازمانی و...) به خارج و نیز آوردن مدارک و انتشاراتی که در خارج به مقدار فراوان چاپ و منتشر می شد ، با اهمیت زیادی برخوردار بود ، رفیق جمشید این وظیفه خطیر را بسعه داشت . وی علاوه بر اینها ، در آوردن اسلحه و مهمات لازم و... از خارج و نیز آوردن و سربد برخی از رفقای مخفی سازمان از مرز بطور قاچاق ، نقش بسیار فعال و ارزنده ای برای سازمان داشت . او چندین بار از خطر درگیری و نیز شکنجه و بیگسرد ژاندارمهای مرز ایران و ژاندارمهای ترکیه و نیز قاچاقچیان مشکوک (که با پلیس همکاری می کردند) جان سالم بدر برد و محمولات خود را بدست رفقای سازمان رساند .

رفیق در تاریخ ۳۰ دیماه ۵۸ شب هنگام بسا مقادیری مدرک و سلاح از یکی از دهات مرزی ترکیه عبور کرده و ا ردیکی از دهات مرزی ایران می شود . فردای آرزو در سیر راه مورد سوء ظن ژاندارمهای گشتی قرار گرفته و به سگاه برده می شود . از این بسعد خبر دیگری بدست ما نرسیده و از چگونگی ماجرا بی اطلاع هستیم ، همینقدر می دانیم که رفیق ، کوچکترین اطلاعی بدشمن نداده و هیچکس در رابطه با او لو نرفته است . او به احتمال زیاد در زیر شکنجه های وحشیانه ساواک شهید شده و به کساروان شهیدان راه آزادی و استقلال میهن پیوسته است .

سرگذشت دلورانه و انقلابی این رفیق شهید و زندگی شرافتمندانه و افتخار آمیز زندگی انقلابیون و کمونیستها ، منت تحکمی است بردهان یا وه گویانی که سعی در لوث کردن فعالیتها ی انقلابی آنها نموده و "مبارزه" را صرفا در انحصار خود می دانند ، آنها بخیا ل خود ، کوششهای کسمو - شیتها را در خدمت "صدانقلاب" معرفی میکنند ، آنها نمی دانند و نمی توانند تصور کنند هر سلاحی که در دست انقلابیون قرار میگرفت و مغز و قلب آمریکای شیان و عمال وابسته به آنان را نشانه می رفت بسا چه خون دل و زحمتی فراهم میشد و چه رزمندگان بزرگی در پای آن چه سان می باختند .

مبارزه زحمتکشان و نیروهای انقلابی و کسمو - نیست علیرغم دشواریها ، زیرا دبه پیش رفته و خواهد رفت و سرانجام دست امپریالیستها و مرتجعین را از جان زحمتکشان و طبقه کارگر کوتاه خواهد ساخت . با خون رفیق شهید ، جواد چایچی (جمشید) بیمان می بندیم که در راه تحقق آرمان انقلابی او هرگز از یای ننشستیم ■

## دهقانان مبارز! مردم زحمتکش محمودآباد!

در روز جمعه ۵۸/۱۰/۷ جماعت بدستان معسوم منصور (نامبرده از ملائین معروف و از نزدیکان فاطمه مهروئی بوده و با کمک وی حدود ۲۰ هکتار از اراضی مزروعی روستایان "چهارافرا" را تصرف کرده است) به عده‌ای از دهقانان مبارز چهارافرا که قصد احیای ۲ هکتار از اراضی جنگلی را داشتند، یورش برده و ۹ تن از آنان را مجروح میکنند. بنا به دخالت پاسداران چندتن از چاقوکاران و خود منصور با زدا شد می‌شوند، لیکن با اعمال نفوذ "ناطق نوری" نماینده ما که خود از ملائین بنام در منطقه است آزادی می‌شوند. این اقدام انقلابی خشم روستائیان "چهارافرا" را برمی‌انگیزد و سه همین خاطر ۴ تن از دهقانان مبارز "چهارافرا" به عنوان "صدانقلاب و اخلالگر" دستگیر و کتک در زندان بصری برند.

هیئت خاکمه ضد خلقی و ابادی مزدورشن علی‌رغم بیوهی تبلیغاتی وسیعی که مبنی بر "واگذاری زمین به دهقانان و حمایت از آنان" و "مبارزه علیه فئودالیسم" برآوردند، این بار نیز چون هزاران هزار نمونه‌های دیگر با آزاد کردن منصور و چاقوکارانش دستگیری دهقانان مبارز، حمایت خالصانه خویش را در جهت تامین منافع زمینداران بزرگ و مالکین ارضی ثابت نموده است. ... این نمونه‌ها (که در واقع مشتق از بی‌شمار خروارهاست، گواهی است بر اینکه دهقانان رنج‌دیده، مانده‌اند دروغویان از پیش رسوا شده، بلکه باید نیروی لایزال و اتحادیه‌های خویشتنکی بوده و بیکیکسانه به همراه کارگران و سایر اقشار زحمتکش در جهت کسب حقوق حقه، خویش و مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم، کام‌برداری، مطالبی که در بالا ملاحظه نمودید، قسمت‌هایی از یک اعلامیه است که از طرف حوزه "مازندران ساز" مان، در تاریخ ۵۸/۱۰/۲۴ منتشر شده است ■

## دهقانان مبارز! ارمکلا!

اقدام انقلابی و بحق‌تان در تصرف ۱۵ هکتار از اراضی مصطفی‌خان آهی، قبل از هر چیز نشان می‌دهد که شما بهیچوجه به عوام‌فریبی‌ها و هابیه‌های تبلیغاتی رژیم جمهوری اسلامی درباره "مبارزه با فئودالیسم" و "انجام اصلاحات ارضی" و ... توجهی نگردیده و با تکیه بر اتحادیه‌های خویشتنکی و نیروی لایزال خود، مشت دروغویان با زخمی و رسوا شدن می‌کنید.

حرکت درست و آگاهانه شما در مورد انتخاب بنام بنادگانان با ردیگر این حقیقت آشکارا ثابت نموده که توده‌های زحمتکش در راه کسب حقوق حقه خویش سلاحی جز سازمان دادن مبارزات خود، اتحادیه‌های خویشتنکی ندارند. ....

این شما هستید که از ما تا نام، در گرما و در سرما با سختی و مرارت برزوی زمین زحمت می‌کشید، نه کردن کلفت‌های چون آهی‌ها و ... که با زور و اعمال نفوذ و با حیل‌های مختلف حقوق حقه‌تان را از چنگتان در آورده‌اند. زمانیکه آهی خود را در مقابل اتحاد

## بنی صدر در مقابل حقوق خلقها

دارد، بلکه در جای رجبیک خود مختاری در محدوده ایران و حدود مکرراتیک عملی است فقط و فقط این اتحاد است که منافع واقعی خلقها را منعکس می‌کند. ... (بنتقل از بیکار شماره‌های ۲۰۱)

مانتظارند از ریم‌آقای بنی صدر که این روزها غرق در رویای شیرین ریاست جمهوری است، خواست‌های عادلانه و بحق خلقهای قهرمان ایران و مواضع کمونیستها و نیروهای انقلابی را در این زمینه درک کند. بنی صدر هم‌بنا به یک بورژوا لیبرال تمام عیار و بعنوان عنصری از هیئت خاکمه که نقش و موقعیتی قابل توجه دارد، همواره از مواضع حقیقت منافع طبقاتی خود در کل سیستم ضد خلقی حاکم بر کشور حرکت کرده و از این رو طبیعتاً رودر روی خلق‌های ایران قرار می‌گیرد و بنا بر این عجیب نیست که خواهستهای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران و مواضع کمونیستها در مورد سلطه خلقها را تحزیه طلبی بنا بد. از سوی دیگر این نکته روشن می‌سازد که وقتی بنی صدر در نقاطی انتخابی اش سخن از آزادی و برابری ملیت‌ها می‌راند در واقعیت مرفریمی بیش نیست، چطور ممکن است مقابله و متسلطانه و قهرمانانه خلق کرد بر علیه جنابان و نجایات رژیم جمهوری اسلامی را اعمال زور در برابر برزخی که به عقیده ایشان خواهان برابری ملیت‌هاست تا میدو معتقد به آزادی و برابری ملیت‌ها نباشد. چطور ممکن است در برابر اقدامات جنابان کارانه و جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی در برابر خلقهای کرد و عجز و ... سکوت کرد و تا شید نمود و به ضرورت حفظ وحدت و همبستگی ملیت‌ها نیز اعتقاد داشت؟ آقای بنی صدر که خود از سردمداران مجلس خبرگان و از دست‌اندرکاران اصلی تدوین قانون اساسی کذایی است (قانونی که حقوق حقه خلقها را زیر پای می‌گذارد، با اصل ولایت فقیه پشت پایه‌های اصول اولیه دموکراسی میرتدو بر طبق آن راه برای سلطه و نفوذ امپریالیسم باقی نگاه داشته می‌شود) امروز سعی میکند با گرفتن روست آزاد بخوانه‌ها نمود مکررات ما بنا به در برابر روسته حزب جمهوری اسلامی و با به اصطلاح تأیید و حمایت از کاندیدای سازمان مجاهدین خلق، مسعود رجوی صف خود را از مرتجعین حزب جمهوری اسلامی امثال بهشتی و رفسنجانی کاملاً متمایز جلوه دهد. لیکن دیری نخواهد پاید که در سیرا انقلابی جامعه عمیق‌تر شدن بحران‌ها، نقش زور، نالیبرالیستی از نوع بنی صدر نیز علی‌رغم اختلافاتی که با جناح‌های دیگر هیئت خاکمه دارند، برآورده‌های وسیع مردم روشن گردد ■

در سخنرانی‌ای که اخیراً در محل استادیوم تختی آبادان توسط بنی صدر ایراد شد، وی در آغاز سخن خود به تجزیه و تحلیل مفهوم بنا سونا لیسیم در جهان غرب و تحمیل شیوه‌های فکری بر مذهب طی دو قرن اخیر پرداخت و ضمن مقایسه بین مفهوم در ارتباط با نظریه مارکس از راه اتحاد زحمتکشان و ایجاد نظام جهانی سوسیالیستی در شوروی اظهار داشت "... بنا. برای این در نظر آنها در ایران ترک یک ملیت، بلوچ یک ملیت، فارس یک ملیت و عرب یک ملیت است و این در حالیست که ما اثرها با هم زندگی کرده‌ایم و فرهنگ و زندگی مشترکی داریم. بنی صدر افزود "آنها می‌خواهند بجای اینکه متحد با شیم تجزیه بشویم. ... (بنتقل از روزنامه انقلاب اسلامی شنبه ۵۲۹). بنی صدر همچنین در نقطه را دیو- تلویزیونی خود میگوید: "... همه باید این را بدانند که بنا بد بخود اجازه دهند از طریق اعمال زور چیزی را از دولت بگیرند". نقل قولهای بالا بحد کافی استنباط جناب بنی صدر را از خواهستهای حق طلبانه و عادلانه خلق کرد و از مواضع شیروهای کمونیست و انقلابی در این باره نشان میدهد. آنچه که از نظریه تجزیه طلبی شمرده می‌شود، از نظر ما، تمام کمونیستها و نیروهای انقلابی در واقع اتحاد آزادانه، دموکراتیک و از روی میل خلقهای ایران است. ما و تمام آنها که از حقوق حقه، خلق دلاور کرد و سایر خلقهای ایران پشتیبانی می‌کنند، با راه اعلام شده‌ایم که "مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی برابر خلقهای ایران، بطور ارگانیک بهم‌گرفته‌اند، کالبد واحدی را ساخته است ... ایران آزاد (مستقل) و دموکراتیک که از اتحاد آزادانه و از روی میل خلقهای ایران تشکیل شده‌اند شتند در صورت نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن است ... فقط و فقط بدین نحو است که خلقها امکان می‌یابند خود را از چارچوب تنگ بنا سونا لیسیم که از طرف بورژوازی، خرد بورژوازی و حتی فئودالها تبلیغ می‌شود، خلاصی دهند. چه در غیر این صورت مبارزات فئودال-کارانه و دلاورانه خلقهای ایران در خدمت منافع تجزیه طلبانه و استعمارگرانه فئودالها و ... قرار گرفته، حربه‌های آنان را در متوقف ساختن انقلاب کاری ترمی سازد. جدائی کامل بهیچوجه بشفیع خلقهای ایران نبوده، هیچگونه کمکی به تحقق خواهستهای ملی، بهبودی شرایط زندگی و پایان دادن به ظلم و ستمگری نمی‌کند. منافع ملیتهای مختلف ایران نه در جدائی کامل و نه در اطاعت اجباری از مرکزیت که عمدتاً در دست فارسیها قرار

دارد، استوارت‌ان بیچاره دید، بی‌شما نه ادعا می‌کرد که خودش قصد تقسیم آن را داشت. آهی زانو - صفی‌بخا طراپیکه یک مدهکتا ردیگر از زمین‌هایش از دستش خارج نشود، ... از این حیل‌ها استفاده میکند.

اما شما باید با یک اقدام انقلابی دیگر، این حیل‌ها را هم خنثی کرده و با ردیگر مضمتم و آگاهانه‌تر با اتحادیه‌های کمونیستی تا شما می‌زمین‌های این مفت - خور را به تصرف خود در آورید. بی‌شک این اقدام انقلابی تا مردم حمایت تمام می‌زحمتکشان و شهرو روستا و نیروهای انقلابی را ستین بوده و خواهد

بود. چنین مبارزه‌ای هیچگاه از مبارزه مشترک شما می‌کارگران، دهقانان و خلقهای ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم جدا نبوده و نخواهد بود.

آنچه در فوق نقل نمودیم، قسمت‌هایی از متن اعلامیه "حوزه" ما زندان سازمان است که در ارتباط با تصرف اراضی متعلق بیکی از فئودالها توسط دهقانان مبارز روستای "ارمکلا" در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۴ انتشار یافته است.

آرشو استاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر  
www.peykar.org

